

۳
افق

نه به مادرید

افزایش اختلافات ترامپ و سانچز

۴
ورزش

بزرگمرد کوچک

درباره لامين يامال ستاره اسپانيا

۷
کوچه

بن بست دارویی

گزارش تجمع بیماران خودایمنی

۲
ایران

از سختی‌ها نه‌راسیم

قدردانی صمیمانه رهبر انقلاب از حضور ده‌ها میلیونی مردم ایران و عراق در مراسم تشییع رهبر شهید

یادداشت روز

مسیر آشتی‌کنان

آنچه امروز بیش از هر چیز اهمیت دارد
جلوگیری از غلبه هیجان بر عقلانیت است

علی بیگدلی

کارشناس مسائل بین‌الملل

تحولات روزهای اخیر بار دیگر این پرسش را به صدر تحلیل‌های سیاسی بازگردانده است که آیا ایران و آمریکا در آستانه یک رویارویی فراگیر قرار گرفته‌اند یا تنش‌های نظامی اخیر نیز بخشی از همان چرخه فشار و مذاکره خواهد بود که طی دهه‌های گذشته بارها تکرار شده است؟ حملات محدود، تهدیدهای تند دونالد ترامپ و افزایش التهاب در فضای سیاسی، اگرچه تصویری نگران‌کننده از آینده ترسیم می‌کند اما مجموعه متغیرهای داخلی و خارجی نشان می‌دهد که گزینه جنگ همچنان پرهزینه‌تر از آن است که به انتخاب نخست دو طرف تبدیل شود.

واقعیت آن است که تهران و واشنگتن بیش از هر زمان دیگری در موقعیتی قرار گرفته‌اند که ناگزیرند، اختلافات خود را پشت میز مذاکره مدیریت کنند. ایران با چالش‌های جدی اقتصادی از جمله تورم، کاهش قدرت خرید، بیکاری و فشارهای معیشتی روبه‌روست و طبیعی است که هرگونه تشدید بحران نظامی می‌تواند این مشکلات را عمیق‌تر کند. در سوی دیگر، دولت ترامپ نیز با محدودیت‌های خاص خود مواجه است. افزایش قیمت انرژی، حساسیت افکار عمومی نسبت به ورود به جنگی تازه در خاورمیانه و اختلافات سیاسی داخلی همگی عواملی هستند که آزادی عمل کاخ سفید را محدود می‌کنند.

در چنین شرایطی، طبیعی است که هر حادثه امنیتی به سرعت به میدان رقابت جریان‌های تندرو در دو کشور تبدیل شود. در ایران نیز پس از حملات اخیر، برخی صداها بر انتقام‌گیری فوری تأکید کردند و فضای سیاسی را به سمت تشدید تنش سوق دادند. با این حال آنچه اهمیت بیشتری دارد، ادامه کانال‌های ارتباطی و مذاکرات فنی است؛ مذاکراتی که می‌تواند مانع از فروغلتیدن بحران به مرحله‌ای غیرقابل کنترل شود. تجربه نشان داده که حتی در اوج تنش نیز دیپلماسی هرگز به‌طور کامل متوقف نشده و همواره راهی برای بازگشت به گفت‌وگو وجود داشته است.

البته نباید انتظار داشت پس از ۴۷ سال خصومت، مسیر رسیدن به یک تفاهم پایدار بدون فراز و نشیب باشد. بی‌اعتمادی عمیق میان دو طرف، اختلاف بر سر پرونده‌های منطقه‌ای و هسته‌ای و فشار بازیگران داخلی و خارجی، روند مذاکرات را پیچیده می‌کند. با این حال جنگ ۴۰ روزه اخیر یک واقعیت مهم را آشکار کرد؛ اینکه نه ایران و نه آمریکا از تداوم درگیری مستقیم سودی نمی‌برند و هر دو، دیر یا زود، ناچار به بازگشت به مسیر گفت‌وگو خواهند شد. با همه این تفاسیر به نظر می‌رسد که دو طرف در مسیر آشتی‌کنان قرار دارند.

در این میان، برداشت‌های متفاوت از تفاهم‌نامه اخیر نیز نباید به سوء برداشت منجر شود حتی اگر ترامپ از پایان عملی آن سخن بگوید. این تفاهم بیش از آنکه یک توافق نهایی باشد، چارچوبی برای ادامه مذاکرات و تعیین دستور کار آینده است. ارزش چنین اسنادی نه در حل فوری همه اختلافات بلکه در جلوگیری از قطع کامل ارتباط و مدیریت بحران‌هاست.

از سوی دیگر، فضای سیاسی آمریکا نیز برخلاف برخی تحلیل‌ها الزاماً به سود گزینه جنگ حرکت نمی‌کند. مخالفت شماری از نمایندگان کنگره با هرگونه اقدام نظامی بدون مجوز قانونی، نشان می‌دهد که هزینه سیاسی ورود به یک جنگ جدید همچنان بالاست. مخالفت با افزایش بودجه‌های نظامی و نگرانی از تحمیل بار مالی سنگین بر مالیات‌دهندگان آمریکایی نیز بر همین واقعیت صحنه می‌گذارد. هرچند ترامپ در آخرین دوره ریاست‌جمهوری خود ممکن است، دغدغه کمتری نسبت به پیامدهای انتخاباتی داشته باشد اما نمی‌تواند از محدودیت‌های ساختاری نظام سیاسی آمریکا و حساسیت افکار عمومی نسبت به جنگ چشم‌پوشی کند.

بنابراین آنچه امروز بیش از هر چیز اهمیت دارد، جلوگیری از غلبه هیجان بر عقلانیت است. تنش‌های نظامی ممکن است برای مدتی ادامه یابد اما شواهد موجود نشان می‌دهد که مسیر اصلی همچنان از دیپلماسی می‌گذرد. آینده روابط تهران و واشنگتن نه در میدان نبرد بلکه در توانایی دو طرف برای مدیریت بحران و تبدیل تفاهم‌های شکننده به توافق‌هایی پایدار رقم خواهد خورد.

آینده مبهم هرمز

اختلافات جدید ایران و آمریکا بر سر مدیریت تنگه هرمز
سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران را رهسپار عمان کرد
سازندگی به بررسی سه سناریوی پیش‌روی این تنگه استراتژیک پرداخته است



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



صبح خلیج فارس دیگر شبیه روزهای قبل نیست. نفتکش‌هایی که از چندی پیش با آغاز تفاهم ایران و آمریکا بدون دغدغه از تنگه عبور می‌کردند حالا یا پشت دروازه تنگه هرمز متوقف شده‌اند یا مسیرهای جایگزین را جست‌وجو می‌کنند. سکوت نسبی این گذرگاه استراتژیک بیش از آنکه از آرامش خبر دهد، نشانه بازگشت بحرانی است که دوباره روابط ایران و آمریکا را به نقطه انفجار نزدیک کرده است. گزارش خبرگزاری رویترز نشان می‌دهد که هم‌زمان با از سرگیری حملات هوایی آمریکا علیه ایران و افزایش احتمال واکنش تهران در خلیج فارس، تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز تقریباً متوقف شده است. منابع صنعت بیمه نیز از توصیه برخی شرکت‌های بیمه‌گر برای تعلیق موقت عبور کشتی‌ها از این مسیر خبر داده‌اند؛ توصیه‌ای که با افزایش چشمگیر حق بیمه جنگ همراه شده و در برخی موارد هزینه بیمه را تا پنج درصد ارزش کشتی بالا برده است.

ادامه در صفحه ۳



چهره روز

در قاب دوربین

درباره حضور عمومی علی اصغر حجازی



گروه سیاسی: بیش از آنکه تصویرش دیده شود، نامش شنیده می‌شود؛ روحانی‌ای که بیش از سه دهه در نزدیک‌ترین حلقه دفتر رهبر شهید حضور داشت اما کمتر در برابر دوربین‌ها ظاهر می‌شود. ماه‌ها بود که درباره سرنوشت او روایت‌های مختلفی در فضای مجازی منتشر می‌شد اما حضور سیدعلی اصغر حجازی در مراسم تشییع و تدفین رهبر شهید انقلاب در مشهد به همه گمانه‌زنی‌ها پایان داد؛ مردی که سال‌ها از بانفوذترین و در عین حال کم‌حاشیه‌ترین چهره‌های دفتر رهبری بوده، روز پنج‌شنبه دوباره در قاب دوربین‌ها دیده شد.

سیدعلی اصغر حجازی متولد همدان و فرزند مرحوم حاج سیدجواد حجازی است. او دو برادر شهید دارد و تحصیلات حوزوی‌اش را در مدرسه حقانی قم گذرانده است؛ مدرسه‌ای که بسیاری از مدیران امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی از آن برخاسته‌اند. حجازی پس از انقلاب، فعالیت خود را در حزب جمهوری اسلامی آغاز کرد سپس به وزارت اطلاعات رفت. در دهه ۱۳۶۰ معاون امور خارجی این وزارتخانه بود و همزمان در هماهنگی‌های اطلاعاتی دوران جنگ نیز نقش داشت. با آغاز رهبری آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در سال ۱۳۶۸ به دفتر رهبری منتقل شد و مسئولیت معاونت سیاسی دفتر را برعهده گرفت؛ سمتی که بعدها به قائم‌مقامی دفتر رهبری ارتقا یافت. در سال‌های حضور آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در جایگاه رهبری از حجازی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مسئولان دفتر رهبری یاد می‌شد. براساس روایت‌های منتشرشده، هماهنگی میان سران قوا، ارتباط با دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی، پیگیری امور بیت رهبری و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام از جمله مسئولیت‌هایی بود که در چارچوب وظایف او عنوان شده است.

در سیاست ایران، کمتر کسی به اندازه حجازی با وجود نفوذ فراوان از رسانه‌ها فاصله گرفته است. او تقریباً هیچ مصاحبه‌ای انجام نداده و تصاویر اندکی از او منتشر شده است. با این حال نامش در خاطرات برخی مسئولان جمهوری اسلامی از جمله اکبر هاشمی‌رفسنجانی و در روایت‌های سیاسی بارها تکرار شده و از او به عنوان یکی از حلقه‌های اصلی انتقال دیدگاه‌های رهبر شهید در مقاطع حساس یاد شده است. دولت آمریکا نیز در سال ۲۰۱۳ نام حجازی را در فهرست تحریم‌های خود قرار داد؛ اقدامی که جمهوری اسلامی آن را فاقد اعتبار دانست.

پس از ترور رهبر شهید و انتخاب آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای به رهبری، نام حجازی بار دیگر در کانون توجه قرار گرفت. محمدرضا باهنر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، به پایگاه خبری انصاف‌نویز گفته است که در روزهای ابتدایی پس از ترور رهبر شهید، حجازی در جلسه مجلس خبرگان حضور یافته و تأکید رهبر شهید مبنی بر عدم مداخله فرزندان خود در موضوع جانشینی را برای اعضای خبرگان نقل کرده است. به گفته باهنر، اعضای خبرگان نیز این موضوع را بررسی کردند. باهنر همچنین گفت رهبر شهید هیچ نگاه منفی نسبت به آیت‌الله سیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای نداشتند اما همواره تأکید می‌کردند که براساس قانون اساسی و مبانی شرعی، تعیین رهبر آینده بر عهده مجلس خبرگان است و نه ولی‌فقیه. پس از انتخاب رهبر جدید جمهوری اسلامی نیز غلامحسین محمدی‌گلیایگانی، رئیس دفتر رهبری و سیدعلی اصغر حجازی، قائم‌مقام دفتر، با صدور پیامی مشترک این انتخاب را تبریک گفتند.

طی روزهای اخیر نیز بازگشت حجازی به انظار عمومی و انتشار تصاویر او در کنار سیدحسن خمینی و محمدباقر قالیباف در مراسم تشییع و تدفین رهبر رشهید انقلاب در مشهد دوباره توجه‌ها را به سمت یکی از چهره‌های بانفوذ جمهوری اسلامی جلب کرد.

از سختی‌ها نهراسیم

قدردانی صمیمانه رهبر انقلاب از حضور ده‌ها میلیونی مردم ایران و عراق در مراسم تشییع رهبر شهید

شما ای همراهان مظلوم او که غافلگیرانه مورد هجوم دشمن قرار گرفتید و به شهادت رسیدید، خوشا به حالتان که اینک میهمان آن مولایی هستید که شاید بارها رأفت و لطف‌شان را درک کرده بودید. آن آقایی که باب رحمت الهی برای همه و به‌خصوص مردمان این سرزمین هستند اینک میزبان شمايند و جوار امن‌شان خانه شما شده است».

رهبر انقلاب در ادامه با خطاب قرار دادن حضرت امام رضا(ع) به تدفین پیکر رهبر شهید و همراهانش در جوار بارگاه رضوی اشاره کرده و تصریح کردند: «و شما ای سرور عالی‌مقام! ای بزرگوار! ای امام رنوف! یا اباالحسن الرضا المرتضی که برترین صلوات خدا بر شما باد، اکنون جسم پارمیه‌ار خامی از خادمین حضرت‌تان و عترت طاهره،

پس از سال‌ها جدّ و جهد و مجاهدت بی‌وقفه به همراه ابدان شهدایی از خانواده‌اش که هر یک یادآور شهیدی از شهیدان دشت کربلاست در این خاک پاک می‌آرمند تا آن روزی که به امر الهی، خورشید عالم‌تاب، حضرت بقیه‌الله عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، از پس ابرهای غیبت بیرون آید و بر مردمان کره خاکی، نور رحمت الهی را بتاباند که در آن روز که امید داریم خیلی زود برسد، ستارگانی از میان صدیقین و شهدا و اولیا، آن حضرت را همراهی خواهند کرد و امید داریم که آقای شهیدمان یکی از آنان باشد و بار دیگر صحنه‌هایی درخشان و ناب از مجاهدت و وفای به عهد آلتس را به نمایش بگذار و شاید این همراهان در آن روز هم او را همراهی کنند».

ایشان، رهبر شهید و همراهانش را به امام رضا(ع) سپرده و تأکید کردند: «ای مولای رنوف! آقای‌مان که همه چیزش را در راه شما صرف کرد و همراهان شهیدش را به شما و لطف و عنایت جناب‌تان می‌سپارم تا همچنان که در حیات دنیوی خود از لطف شما بهره‌مند بودند از این پس هم همانطور و بلکه بسیار بالاتر و بیشتر از آن برخوردار باشند».

رهبر انقلاب در پایان این پیام، ضمن تسلیت به حضرت بقیة‌الله (عج) برای شهدای این حوادث علو درجات، برای بازماندگان صبر و اجر و برای ملت ایران «فتح و نصرت قطعی و قریب‌الوقوع» مسئلت کردند: در آخر بار دیگر به سرورمان حضرت بقیه‌الله عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تسلیت عرض می‌کنیم و از آن بزرگوار مهربان درخواست می‌کنیم که ادعیه زاکیه خود را متوجه آقای شهید ایران و همراهان شهیدش و همه شهدا بفرمایند و از حضرت حق جَلّ و علا برای همه شهیدان علّو درجات و برای بازماندگان ایشان صبر و اجر و برای ملت مظلوم ایران فتح و نصرت قطعی و قریب‌الوقوع طلب نمایند، ان‌شاء‌الله».

رهبر انقلاب در بخش دیگری از پیام خود، خطاب به «رهبر شهید» بر ادامه راه ایشان و خونخواهی شهدا تأکید کردند: «اکنون به پیشوای شهیدمان عرض می‌کنم: ای قاتیل مظلوم! ای مظلوم سرافرازا! ای بنده صالح خدا! حال که با چشمان اشکبار و دل‌های شکسته با پیکر شما وداع می‌کنیم، با شما عهد می‌بندیم که مکتب شما را پاس بداریم و آن طریق مستقیمی که شما ترسیم کردید را با استقامت بییماییم و در این راه از سختی‌ها نهراسیم و همچون شما به بشارت و وعده‌های الهی دل ببندیم».

آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای همچنین با تأکید بر انتقام از عاملان این حوادث اظهار کردند: «عهد می‌بندیم که انتقام خون پاک شما و همه شهیدان این دو جنگ را از



قاتلین جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم. این انتقام خواست ملت ماست و به‌طور حتمی باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل‌شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند برد». ایشان با بیان اینکه تحقق این موضوع وابسته به حضور افراد یا مسئولان نیست، افزودند: «آنها باید بدانند که این امر، متوقف بر وجود شخص من یا سایر مسئولان نیست. ما باشیم یا نباشیم، این مطلب محقق خواهد شد و به زودی آحادی از آزادگان در سراسر دنیا هر یک بخشی از این مأموریت الهی را انجام خواهند داد».

عهد خونخواهی

رهبر انقلاب در بخش دیگری از این پیام، خطاب به رهبر شهید نوشتند: «ای پدر شهید امت، نوشیدن شهد شهادت که عمری در آرزوی آن بودید، گوارایتان باد. پوشیدن خلعت شهادت با بدنی که نشان‌ها از مادران زهرای اطهر و جدّتان اباعبدالله الحسین و اباالفضل العباس علیهم الصلاة والسلام دارد، مبارکتان باشد». ایشان همچنین با اشاره به همراهان شهید ایشان که در حمله دشمن جان باختند، اظهار کردند: «و

رهبر انقلاب در پیامی با قدردانی از حضور گسترده مردم ایران و عراق در آئین‌های تشییع، ضمن تجلیل از جایگاه رهبر شهید، بر ادامه راه ایشان و «انتقام از عاملان» تأکید کرده و خطاب به قائد شهید امت نوشتند: «عهد می‌بندیم که انتقام خون پاک شما و همه شهیدان این دو جنگ را از قاتلین جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم. این انتقام، خواست ملت ماست و به‌طور حتمی باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل‌شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند برد».

آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در این پیام با اشاره به پیوند نهضت امام حسین(ع) با انقلاب اسلامی، تصریح کردند: «سلام بر امامی که ندای حیات‌بخش قیامش، پژواکی عظیم و پرطنین از بعثت نبوی را تا اعماق دوردست تاریخ امتداد بخشید و از اثر آن انقلاب اسلامی ایران پدید آمد. انقلابی که از اساس حسینی بود و با شعار و مرام حسین ساخته شد و بالید. آقای شهید ایران هم با همین مرام رشد کرد. او حسینی بود، حسینی اندیشید، حسینی حرکت کرد، حسینی جهاد و مقاومت نمود، حسینی زیست و حسینی خون خود را در راه مکتب حسین تقدیم کرد و به شهادت رسید. در زمره حسینیان کسانی هستند که وقتی در راه حسین و برای مکتب و مرام حسین علیه‌السلام، خون‌شان مظلومانه بر زمین می‌ریزد، امت اسلام به حرکت درمی‌آید و آن زمان، به عاشورا و آن مکان، به کربلا متصل می‌شود. حال هم همان شور حسینی، ملت ما را بعثت بخشیده و مکتب خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید را جلوه‌ای تازه داده است. این است آن غوغای حیات‌بخشی که انعکاس ندای مظلومیت حسین علیه‌السلام و ندای هَلْ مِنْ نَاصِرٍ یَنْصُرُنِی او در ایران و پس از آن در عراق و سایر کشورها به‌پا می‌کند و زلزله در باطل می‌اندازد».

تداوم راه رهبر شهید

رهبر انقلاب، حضور گسترده مردم ایران و عراق در آئین‌های تشییع را «اعجاب‌برانگیز، دشمن‌شکن و تاریخی» توصیف کردند: «جا دارد به همین مناسبت از حضور ده‌ها میلیونی، اعجاب‌برانگیز، دشمن‌شکن و تاریخی مردم در شهرها و روستاهای ایران و عراق خصوصاً تهران، قم، نجف، کربلا و مشهد صمیمانه قدردانی کنم». ایشان در ادامه با بیان اینکه «ملت ما خونخواه حسین است»، تصریح کردند: «این ملت بزرگ سال‌ها فرزندان خود را در راه حسین و در جنگ با دشمنان حسین و مرام حسینی فدا کرد و اینک هم خونخواه او و حسینیان زمان است».

پارلمان

احتمال بازگشایی صحن علنی

صندلی‌های بهارستان دوباره پر می‌شوند؟

گروه سیاسی: اگر تصمیم هیأت‌رئیس نهایی شود، صندلی‌های سبز بهارستان پس از چند ماه دوباه میزبان جلسه علنی خواهند بود. به گفته اعضای هیأت‌رئیس، این جلسه احتمال دارد امروز یک‌شنبه یا فردا دوشنبه به‌صورت حضوری برگزار شود و این بازگشت به یکی از طولانی‌ترین وقفه‌های صحن علنی مجلس در سال‌های پس از انقلاب پایان خواهد داد؛ وقفه‌ای که از زمان آغاز جنگ تحمیلی سوم و به دلیل ملاحظات امنیتی آغاز شد و به موضوعی بحث‌برانگیز در فضای سیاسی کشور تبدیل شد.

آخرین جلسه رسمی صحن علنی مجلس به بررسی جزئیات بودجه ۱۴۰۵ اختصاص داشت؛ از آن زمان تاکنون، نمایندگان دیگر پشت تریبون‌های علنی دیده نشدند. هرچند کمیسیون‌های تخصصی به فعالیت خود ادامه دادند و هفت جلسه وینئاری نیز با حضور وزرای جهاد کشاورزی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و راه و شهرسازی، نفت، آموزش و پرورش و علوم برگزار شد اما غیبت جلسات علنی باعث شد، پرسش‌های فراوانی درباره جایگاه و کارآمدی مجلس مطرح شود.

در این مدت، بعضی از نمایندگان بر ضرورت

متعدد اقتصادی، معیشتی و امنیتی روبه‌روست، مجلس بیش از هر زمان دیگری باید در معرض افکار عمومی باشد و تصمیم‌های مهم را در صحن علنی بررسی کند و معتقد بودند اداره امور صرفاً از طریق کمیسیون‌ها و جلسات آنلاین هرچند از نظر حقوقی امکان‌پذیر است اما نمی‌تواند، جایگزین کامل مجلس علنی شود.

در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی اما تحلیل‌هایی شکل گرفت که از زاویه‌ای متفاوت به ماجرا نگاه می‌کرد. برخی تحلیلگران با اشاره به اینکه در ماه‌های گذشته، نبود جلسات علنی تغییر محسوسی در روند اداره کشور ایجاد نکرد این پرسش را مطرح کردند که آیا مجلس در ساختار تصمیم‌گیری کشور همچنان همان نقش تعیین‌کننده گذشته را دارد یا خیر؟ این تحلیل‌ها با واکنش گروهی دیگر روبه‌رو شد که تأکید داشتند نبود اثر فوری به‌معنای بی‌اهمیت بودن نهاد قانون‌گذاری نیست و اتفاقاً همین خلأ نشان می‌دهد، مجلس باید نقش فعال‌تر و مؤثرتری ایفا کند.

و حالا با نزدیک شدن زمان بازگشت صحن علنی بسیاری منتظرند ببینند، مجلس پس از این وقفه طولانی چگونه به انبوه پرونده‌های انباشته، مطالبات اقتصادی و پرسش‌های بی‌پاسخ افکار عمومی پاسخ خواهد داد. شاید مهم‌تر از آغاز دوباره جلسات، این باشد که آیا مجلس می‌تواند به منتقدانی که در این ماه‌ها از «تفاوت نداشتن بودن و نبودن» سخن می‌گفتند، پاسخی عملی بدهد یا نه.



نه به مادرید

اختلافات آمریکا و اسپانیا افزایش یافت

گروه بین‌الملل: وقتی رهبران ناتو در تابستان ۲۰۲۶ در آنکارا دور یک میز نشستند، کمتر کسی تصور می‌کرد یکی از جدی‌ترین بحران‌های این نشست نه درباره روسیه باشد، نه چین و نه حتی جنگ ایران؛ بلکه بر سر اسپانیا شکل بگیرد. کشوری که سال‌ها یکی از شرکای قابل اعتماد آمریکا در جنوب اروپا محسوب می‌شد، این بار تصمیم گرفت در برابر خواسته‌های واشنگتن بایستد؛ تصمیمی که به سرعت اختلافی سیاسی را به بحرانی ژئوپلیتیکی، اقتصادی و نظامی تبدیل کرد.

ماجرا از جایی آغاز شد که دولت پدرو سانچز اعلام کرد، اجازه نخواهد داد آمریکا از پایگاه‌های مشترک نظامی در خاک اسپانیا برای انجام عملیات تهاجمی مرتبط با جنگ ایران استفاده کند. این تصمیم تنها یک موضع‌گیری سیاسی نبود؛ مادرید حریم هوایی خود را نیز به روی هواپیماهای آمریکایی بست و دسترسی واشنگتن به پایگاه‌های راهبردی «روتا» و «مورون» را برای مأموریت‌های تهاجمی محدود کرد. نتیجه آن بود که ارتش آمریکا ناچار شد حدود ۱۵ فروند هواپیمای نظامی ازجمله هواپیماهای سوخت‌رسان که ستون فقرات عملیات هوایی محسوب می‌شوند را از اسپانیا خارج و به پایگاه‌های دیگر منتقل کند؛ اقدامی که هزینه‌های عملیاتی و لجستیکی قابل‌توجهی برای واشنگتن

ادامه تیتیر یک

به همراه داشت. واکنش کاخ سفید نیز با همان سرعت و حتی شدیدتر از انتظار ظاهر شد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، اسپانیا را شریکی غیرقابل اعتماد خواند و آشکارا از احتمال خروج کامل نیروهای آمریکایی از این کشور سخن گفت. اما این تنها آغاز ماجرا بود. ترامپ به وزیر خزانه‌داری آمریکا دستور داد مبادلات تجاری و سفرهای رسمی میان دو کشور متوقف شود. همزمان مقام‌های آمریکایی بررسی فهرستی از کالا‌های صادراتی اسپانیا از روغن زیتون و شراب گرفته تا فولاد و قطعات خودرو را آغاز کردند تا زمینه اعمال تحریم یا حتی ممنوعیت واردات آنها را فراهم کنند. این تهدید اگرچه در نگاه نخست می‌توانست، اقتصاد اسپانیا را تحت فشار قرار دهد اما واقعیت‌های اقتصادی تصویر پیچیده‌تری ارائه می‌کرد.

برخلاف تصور اولیه، وابستگی اسپانیا به بازار آمریکا چندان گسترده نیست. کمتر از پنج درصد صادرات کالایی این کشور راهی بازارهای آمریکایی می‌شود و علاوه بر آن، مادرید عضو اتحادیه اروپاست؛ به این معنا که سیاست‌های تجاری آن در بروکسل تعیین می‌شود، نه در مادرید. همین مسئله باعث شد رهبران اروپایی به سرعت وارد میدان شوند. آنها هشدار دادند هرگونه اقدام تنبیهی علیه اسپانیا، اقدامی علیه کل اتحادیه اروپا

تلقی خواهد شد و می‌تواند، جرقه یک جنگ تجاری گسترده میان دو سوی اقیانوس اطلس را بزند؛ جنگی که پیامدهای آن بسیار فراتر از روابط دوجانبه واشنگتن و مادرید خواهد بود.

در پشت درهای بسته اجلاس آنکارا، مذاکرات فشرده‌ای برای جلوگیری از تشدید بحران آغاز شد. پس از پایان نشست، ترامپ اعلام کرد که مواضع سختگیرانه آمریکا نتیجه داده و اسپانیا با ارائه تعهدات مالی یا دفاعی جدید از مواضع خود عقب‌نشینی کرده است؛ هرچند هیچ جزئیاتی درباره این تعهدات منتشر نشد. در مقابل، دولت سانچز روایت متفاوتی ارائه کرد. مادرید ضمن تأکید بر حفظ مخالفت خود با استفاده از خاک اسپانیا برای عملیات مرتبط با جنگ ایران از اعزام نیروهای تازه به فلاند در چارچوب مأموریت‌های ناتو به‌عنوان نشانه‌ای از پایداری خود به اصل دفاع جمعی یاد کرد. با وجود کاهش نسبی تنش‌ها، بسیاری

و آزادی کامل کشتیرانی بدون هرگونه محدودیت با عوارض تأکید دارد و حتی ایده‌هایی مانند ایجاد کریدورهای دریایی مستقل یا کنترل بین‌المللی مسیرهای کشتیرانی را مطرح کرده است.

در مقابل، تهران تلاش می‌کند، جایگاه حقوقی تازه‌ای برای تنگه هرمز تعریف کند؛ جایگاهی که در آن ایران بتواند، نقش پررنگ‌تری در مدیریت این گذرگاه داشته باشد، برای عبور از آب‌های سرزمینی خود حقوق و عوارض دریافت کند و در مقابل رفع کامل تحریم‌های انرژی و پایان فشارهای دریایی را مطالبه کند. این برداشت اما از سوی آمریکا، اروپا و کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس به‌طور کامل رد شده است.

همین شکاف، آینده هرمز را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. نخستین سناریو، دستیابی به توافقی شکننده از مسیر میانجیگری عمان و قطر است؛ توافقی که می‌تواند، بخشی از تحریم‌های نفتی ایران را کاهش دهد و در مقابل، تهران امنیت عبور کشتی‌های تجاری را تضمین کند. چنین توافقی احتمالاً بازار جهانی انرژی را آرام‌تر خواهد کرد اما به دلیل بی‌اعتمادی عمیق میان طرفین، دوام آن با تردیدهای جدی روبه‌رو خواهد بود.

سناریوی دوم، تداوم وضعیت خاکستری است؛ نه جنگی فراگیر و نه صلحی پایدار. در این وضعیت، تنگه هرمز به منطقه‌ای دائماً نظامی‌شده تبدیل خواهد شد؛ جایی که کشتی‌ها تنها با اسکورت نظامی حرکت می‌کنند، هزینه‌های حمل‌ونقل و بیمه افزایش می‌یابد و تهدیدهای مقطعی همچنان بخشی از واقعیت تجارت جهانی باقی می‌ماند. این سناریو می‌تواند، شرکت‌های بزرگ انرژی و حمل‌ونقل را به بازنگری دائمی در زنجیره تأمین جهانی و کاهش وابستگی به خلیج‌فارس سوق دهد.

اما خطرناک‌ترین سناریو، شکست کامل دیپلماسی و حرکت به سمت یک جنگ منطقه‌ای است؛ جنگی که در آن حملات گسترده آمریکا به زیرساخت‌های نظامی و صنعتی ایران می‌تواند با واکنش‌هایی مانند مین‌گذاری تنگه، حمله به تأسیسات انرژی منطقه و هدف قرار گرفتن مسیرهای جایگزین صادرات نفت همراه شود. پیامد چنین رویارویی تنها محدود به خاورمیانه نخواهد ماند؛ بلکه اقتصاد جهانی، بازار انرژی و زنجیره تأمین کالاها را با بحرانی کم‌سابقه مواجه خواهد کرد.

در نهایت، آنچه امروز در تنگه هرمز جریان دارد صرفاً اختلافی میان تهران و واشنگتن نیست. این آبراه بار دیگر به نقطه‌ای تبدیل شده که سرنوشت مذاکرات هسته‌ای، امنیت انرژی، تجارت جهانی و موازنه قدرت در خاورمیانه را به‌هم پیوند زده است. تا زمانی که دو طرف نتوانند بر سر آینده هرمز به تفاهمی پایدار برسند هر نفت‌کشی که از حرکت بازمی‌ایستد، یادآور این واقعیت خواهد بود که نبض اقتصاد جهان همچنان در باریکه‌ای از آب می‌تپد.



از ناظران معتقدند، اختلاف میان آمریکا و اسپانیا هنوز پایان نیافته است. این بحران تنها بر سر یک پایگاه نظامی یا چند میلیارد دلار تجارت نیست؛ بلکه بازتاب دو نگاه متفاوت به امنیت، نقش ناتو و نحوه استفاده از قدرت در نظام بین‌الملل است. از یک‌سو واشنگتن انتظار دارد، متحدانش بدون تردید در کنار سیاست‌های امنیتی آمریکا قرار گیرند و سهم بیشتری از هزینه‌های دفاعی را برعهده بگیرند؛ از سوی دیگر اروپا بیش از گذشته بر استقلال راهبردی و حق تصمیم‌گیری مستقل درباره مداخلات نظامی تأکید می‌کند. به همین دلیل آنچه در آنکارا رخ داد شاید تنها یک اختلاف مقطعی نباشد بلکه نشانه‌ای از آغاز فصل تازه‌ای در روابط دو سوی اقیانوس اطلس باشد؛ فصلی که در آن، اتحادهای قدیمی بیش از هر زمان دیگری با آزمون اعتماد، منافع و قدرت روبه‌رو خواهند شد.

خاورمیانه

طرح بلندپروازانه عراق صادرت نفت از طریق دریای سرخ

اگرچه ایده ساخت خط لوله برای انتقال نفت عراق به دریای سرخ دهه‌هاست که مطرح است اما در سال ۲۰۱۳ زمانی که اردن و عراق توافق‌نامه‌ای برای اجرای آن با هزینه‌ای حدود ۱۸ میلیارد دلار امضا کردند به‌طور رسمی مطرح شد. پروژه خط لوله نفت بصره-عقبه پس از سال‌ها رکود به دلیل تغییرات منطقه‌ای که اولویت‌های امنیت انرژی را تغییر داده است به‌ویژه تنش‌های مشاهده شده در تنگه هرمز و دریای سرخ و آنچه که این تغییرات در مورد شکنندگی اتکا به یک خروجی صادرات واحد برای نفت خام عراق آشکار کردند، دوباره به صدر بحث‌های اقتصادی و سیاسی در عراق و اردن بازگشته است. این پروژه که بیش از یک دهه دیگر ملاحظات امنیتی، اختلافات سیاسی و مالی بود اکنون در بحبوحه روند عراق برای ترسیم مجدد نقشه خروجی‌های صادرات نفت به موازات برنامه‌هایی برای افزایش ظرفیت تولید و گسترش زیرساخت‌ها، دوباره مورد توجه رسمی قرار گرفته است. احیای این پروژه در جریان مذاکراتی که چند روز پیش توسط علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق با هیأتی از وزرای اردن به ریاست وزیر صنعت و تجارت، یعرب القضاة برگزار شد، صورت گرفت. در این مذاکرات هر دو طرف بر اهمیت ادامه اجرای این پروژه علاوه بر گسترش همکاری در زمینه‌های انرژی، حمل و نقل، سرمایه‌گذاری و تبادل تجاری تأکید کردند. با این حال سلیم الرکابی، سخنگوی وزارت نفت عراق، در سخنانی به الجزیره نت توضیح داد که پروژه خط لوله حدیده-عقبه هنوز در دست مطالعه است و با اجرای فاز اول این پروژه، یعنی ساخت خط لوله بصره-حدیده، مرتبط است و تأکید کرد که دولت در حال انجام مراحل اجرای این بخش است زیرا اساس پروژه است. الرکابی تأکید کرد که اقدام عراق به سمت ایجاد خروجی‌های جدید صادرات صرفاً مبتنی بر امکان‌سنجی اقتصادی و تجاری نیست بلکه ملاحظات استراتژیک مربوط به تنوع‌بخشی به خروجی‌های صادرات نفت و افزایش انعطاف‌پذیری عملیات صادرات را نیز در بر می‌گیرد و در نتیجه وابستگی به یک خروجی واحد را کاهش داده و امنیت صادرات نفت را در آینده تقویت می‌کند.



فاقد خلاقیت انسانی

نظرات مارگارت اتوود و هاروکی موراکامی دربارهٔ نقش هوش مصنوعی در خلق داستان



مارگارت اتوود، نویسندهٔ سرشناس کانادایی و خالقِ رمان‌های «سرگذشت ندیمه» و «آدمکش کور» و هاروکی موراکامی، نویسندهٔ برجسته ژاپنی رمان‌های شاخص چون «کافکا در کرانه»، «بین‌بال»، «جنگل نروژی» و «شهر و دیوارهای نامطمئنش» به انتقاد از عملکرد چت‌بات‌های هوش مصنوعی در زمینهٔ داستان نویسی پرداختند.

مشکل ورودی بی کیفیت است

مارگارت اتوود، در جریان گفت‌وگویی در جشنوارهٔ ادبی و فرهنگی «بابل» (Ba-bell Literary Festival) در شهر پورتوی پرتغال، دیدگاه انتقادی خود را دربارهٔ هوش مصنوعی مولد و چت‌بات‌های مبتنی بر مدل‌های زبانی بزرگ (LLM) بیان کرد و گفت تنها یک‌بار از چت‌بات هوش مصنوعی شرکت Anthropic با نام Claude استفاده کرده است؛ تجربه‌ای که به گفتهٔ او چندان رضایت‌بخش نبوده است. او توضیح داد برای یافتن اطلاعاتی دربارهٔ مجموعه تلویزیونی کارآگاهی بریتانیایی «پدر براون» (Father Brown) از Claude کمک گرفته اما این چت‌بات، پاسخ اشتباهی به او داده است. اتوود در این باره گفت: «Claude پاسخ نادرستی به من داد، یا اگر بخواهید بگویید، دروغ گفت. البته خودش نمی‌دانست که دروغ می‌گوید چون انسان نیست؛ بلکه یک مدل زبانی بزرگ است. این سیستم تعداد زیادی از نقدها و مطالب مربوط به این مجموعه تلویزیونی را مرور کرده بود، اما منتقدان معمولاً پایان داستان را در نقدهای اینترنتی فاش نمی‌کنند و همین باعث شده بود که مدل از اطلاعات ناقص برداشت اشتباه داشته باشد». این نویسنده هم‌چنین از افرادی که بدون بررسی و تحقیق به هوش مصنوعی تکیه می‌کنند، انتقاد کرد و گفت بسیاری از کاربران صرفاً به دنبال ساده‌ترین راه برای انجام کارها هستند. به گفتهٔ اتوود، انسان‌ها ذاتاً فرصت‌طلب هستند و اگر راهی آسان برای تقلب یا دور زدن زحمت وجود داشته باشد و احتمال شناسایی آن کم باشد بسیاری از افراد از آن استفاده خواهند کرد. او افزود: «انسان‌ها ربات نیستند اما فرصت‌طلب‌اند؛ بنابراین اگر راه آسانی برای تقلب وجود داشته باشد و تشخیص آن دشوار باشد، عده زیادی از آن استفاده می‌کنند». اتوود در ادامه به یکی از شناخته‌شده‌ترین انتقاده‌ها نسبت به هوش مصنوعی اشاره کرد و گفت، کیفیت خروجی این سامانه‌ها کاملاً به کیفیت داده‌های ورودی آن‌ها وابسته است: «مشکل هوش مصنوعی این است که اگر داده‌های ورودی بی‌کیفیت باشد، خروجی هم بی‌کیفیت خواهد بود. حتی کسانی که از هوش مصنوعی در کسب‌وکار استفاده می‌کنند، ناچارند پاسخ‌های آن را دوباره بررسی و راستی‌آزمایی کنند زیرا این سیستم‌ها هم‌چنان مرکب اشتباه می‌شوند». دیدگاه او نویسنده کانادایی بار دیگر بر این نکته تأکید می‌کند که هرچند مدل‌های هوش مصنوعی می‌توانند در بسیاری از زمینه‌ها ابزارهای مفیدی باشند، اما هنوز جایگزین قضاوت انسانی و بررسی مستقل منابع اطلاعاتی نشده‌اند و استفاده مسئولانه از آن‌ها مستلزم راستی‌آزمایی و ارزیابی دقیق پاسخ‌هاست.

هوش مصنوعی خلاق نیست

هاروکی موراکامی نیز هم‌زمان با انتشار تازه‌ترین رمانش با عنوان «داستان کاهو» (The Tale of Kaho)، تأکید کرد که شبیهٔ خلق آثارش با ادبیاتی که هوش مصنوعی تولید می‌کند، تفاوتی اساسی دارد. این رمان که نخستین اثر بلند موراکامی در سه سال اخیر به شمار می‌رود، بامداد جمعه در

کتاب‌فروشی‌های ژاپن عرضه شد و به گزارش رسانه‌های محلی، ده‌ها نفر از علاقه‌مندان برای خرید آن از نیمه‌شب در صف ایستادند. موراکامی در گفت‌وگویی با خبرگزاری کیودو گفت: «هوش مصنوعی همهٔ آنچه تاکنون رخ داده است را مینا قرار می‌دهد و بر اساس شباهت‌ها و قیاس‌ها متن تولید می‌کند، اما فرآیند نوشتن رمان برای من کاملاً متفاوت است. اگرچه پیشرفت هوش مصنوعی مولد امکان نگارش رمان را فراهم کرده، اما وظیفهٔ یک رمان‌نویس این است که چیزی کاملاً تازه که ناگهان در ذهنش جرقه می‌زند را وارد داستان کند». موراکامی که آثارش به حدود ۵۰ زبان ترجمه شده‌اند، گفت هنگامی که عمیقاً درگیر نوشتن است، شخصیت‌های داستان به شکلی ناگهانی در ذهنش پدیدار می‌شوند؛ اتفاقی که به گفتهٔ او «بر پایهٔ قیاس شکل نمی‌گیرد و احتمالاً هوش مصنوعی نیز قادر به انجام آن نیست». موراکامی در گفت‌وگویی هم که با روزنامهٔ «آساهی شیمبون» داشته دربارهٔ روایت زنانه در رمان جدیدش گفت: «البته فقط می‌توانم تصور کنم، زنان چگونه جهان را می‌بینند اما همان‌طور که هنگام نوشتن کافکا در کرانه دنیا را از نگاه یک پسر ۱۵ ساله روایت کردم، یک رمان‌نویس می‌تواند در قالب هر شخصیتی قرار بگیرد».

کافه

تازه‌های ادب و هنر

زیر پوست شهر

ولفگانگ کوپن در کبوتران روی چمن از اثرات جنگ پس از پایان آن می‌گوید



آراکو محمودی

نویسنده و مترجم

ادبیات آلمان پس از جنگ جهانی دوم با پرسشی آغاز شد که در ظاهر ساده، اما در عمق تکان‌دهنده بود: چگونه می‌توان پس از فاجعه نوشت؟ ولفگانگ کوپن در رمان «کبوتران روی چمن» (۱۹۵۱) پاسخی مستقیم به این پرسش نمی‌دهد؛ او به جای پاسخ، صحنه‌ای می‌آفریند که در آن انسان‌ها در میان ویرانه‌های اخلاقی و تاریخی سرگردان‌اند. این رمان نه داستان بازسازی آلمان است و نه روایتی قهرمانانه از رهایی از فاشیسم. در عوض، تصویری از جامعه‌ای ارائه می‌دهد که اگرچه جنگ را پشت سر گذاشته اما هنوز درون آن زندگی می‌کند. در جهان کوپن، پایان جنگ پایان خشونت نیست؛ بلکه آغاز دوره‌ای است که در آن گذشته همچون صدایی خاموش تشدنی در پس‌زمینهٔ زندگی روزمره طنین می‌اندازد. «کبوتران روی چمن» نخستین رمان از مجموعه‌ای است که بعدها با عنوان «سه‌گانه شکست» شناخته شد. این اثر در قالب ۱۰۵ قطعه روایی کوتاه، زندگی بیش از ۳۰ شخصیت را در شهری بزرگ در بایرن- شهری که بسیاری آن را مونیخ می‌دانند- در سال‌های نخست پس از جنگ دنبال می‌کند. ساختار قطعه‌قطعه رمان، که به تکنیک موتاژ در سینما شباهت دارد، صرفاً تجربه‌ای فرمی نیست؛ بلکه بازتاب جهانی است که دیگر نمی‌توان آن را در قالب یک روایت خطی توضیح داد. جامعه پس از جنگ آلمان، در نگاه کوپن، مجموعه‌ای از صداهای پراکنده است: انسان‌هایی که هر یک در روایت شخصی خود از گذشته و حال گرفتار شده‌اند. در این شهر، آثار جنگ هنوز در معماری و خیابان‌ها دیده می‌شود اما مهم‌تر از ویرانی‌های فیزیکی ویرانی حافظه است.

ویژه جام جهانی ۲۰۲۶

بسیاری از شهروندان می‌کوشند، گذشته را به فراموشی بسپارند و به زندگی عادی بازگردند. کافه‌ها، سینماها و مهمانی‌ها، نشانه‌های نوعی میل جمعی به سرگرمی و فراموشی‌اند. با این حال کوپن نشان می‌دهد، فراموشی هرگز کامل نیست. گذشته همچون زخمی زیر پوست شهر باقی می‌ماند و در لحظه‌هایی پیش‌بینی‌ناپذیر سر باز می‌کند.

استعاره‌ای از بحران ادبیات آلمان پس از جنگ

یکی از ویژگی‌های برجسته اِسن رمان، تنوع شخصیت‌هایی است که هر یک نماینده لایه‌ای از جامعه پس‌اجنگ‌اند. در میان آنان می‌توان کسانی را دید که زمانی به رژیم نازی تعلق داشته‌اند و اکنون می‌کوشند، خود را با نظم جدید تطبیق دهند؛ روشن‌فکرانی که از ناتوانی در فهم جهان تازه رنج می‌برند؛ هنرمندانی که میان هنر و صنعت سرگرمی سرگردان‌اند؛ و سربازان مریکایی که حضورشان نشانهٔ نظم سیاسی تازه است. در میان این چهره‌ها، شخصیت فیلیپ- نویسنده‌ای که دچار انسداد خلاقیت شده- جایگاهی ویژه دارد. فیلیپ رؤیای نوشتن اثری بزرگ را در سر دارد اما حتی نمی‌تواند نخستین جمله آن را بنویسد. این ناتوانی صرفاً بحران فردی نیست؛ بلکه استعاره‌ای از بحران ادبیات آلمان پس از جنگ است. چگونه می‌توان دربارهٔ جهانی نوشت که اخلاق آن فروپاشیده و زبانش آلوده شده است؟ سکوت فیلیپ در واقع سکوت نسلی است که



بزرگمرد کوچک

لامین یامال؛ ستاره‌ای تشنه قهرمانی در جام جهانی

نگران نیست

نکته جالب توجه درباره حضور یامال در این جام جهانی این است که او تا این مرحله تنها یک گل به ثمر رسانده است؛ آماري که برای بازیکنی با این سطح از انتظارات شاید کم به نظر برسد. اما وقتی این موضوع در نشست خبری با او مطرح شد، یامال با خونسردی و لبخند پاسخ داد که او قهرمانی یورو را هم با تنها یک گل به‌دست آورده بود و اگر اسپانیا جام جهانی را ببرد، بعید می‌داند کسی به آمار گلزنی شخصی او اهمیتی بدهد. برای او آنچه اهمیت دارد پیروزی تیم است نه رکوردهای فردی. این نگاه دقیقاً همان چیزی است که دلا فوئنته سعی کرده در کل تیم نهادینه کند: اولویت گروه بر درخشش فردی. سرمربی اسپانیا پیش از دیدار با بلژیک در نشست خبری به جمله‌ای از مارکوس اورلیوس اشاره کرد که می‌گوید، آنچه برای کندو زیان‌آور است برای زنبور هم زیان‌آور است؛ استعاره‌ای که به‌خوبی فلسفه بازی تیمی اسپانیا را نشان می‌دهد. نیکو ویلامز یکی دیگر از بازیکنان تیم که بیشتر این جام را از روی نیمکت شروع کرده نیز گفته که سرمربی همواره نخستین کسی است که به بازیکنان یادآوری می‌کند همه، از نفر اول تا آخر، در این موقعیت سهیم هستند.

تیم بی‌ستاره

در جام جهانی‌ای که بیشتر گفت‌وگوها حول محور رقابت آقای گلی میان چهره‌های بزرگی مثل لیونل مسی، کیلیان امباپه، ارلینگ هالاند، هری کین و عثمان دمبله می‌چرخد، اسپانیا با وجود در اختیار داشتن یکی از بااستعدادترین بازیکنان جهان فوتبال هنوز برای پیشروی در تورنمنت به یک لحظه فردی و انفجاری از یامال متکی نبوده است. در عوض، این تیم است



آنها باید بترسند

پس از سوت پایان بازی با بلژیک، خبرنگاران دور یامال جمع شدند تا واکنش او را به رویارویی پیش‌رو با فرانسه بشنوند. جوان تیم ملی اسپانیا با اعتماد به‌نفسی که این روزها امضای اوست، یادآوری کرد که اسپانیا پیش‌تر فرانسه را در دور حذفی یورو از میدان به‌د کرده و به همین دلیل معتقد است این فرانسه است که باید نگران این دیدار باشد هرچند تأکید کرد هر دو تیم از بهترین‌های دنیا هستند و باید منتظر ماند تا ببینیم زمین چه می‌گوید. این اعتماد به‌نفس بی‌برده دقیقاً همان چیزی است که یامال را از یک استعداد معمولی به یکی از چهره‌های اصلی این جام جهانی تبدیل کرده است. او در سنی که بسیاری از بازیکنان هنوز در حال یافتن جای پای خود در تیم ملی هستند به عصری کلیدی در نقشه‌های لوئیس دلا فوئنته بدل شده، هرچند به گفته خودش این بار قرار نیست تنها او باشد که تکلیف بازی را روشن کند.

نقد: سینمای جهان

بهای یک آرزو

«وسواس»؛ فیلم ترسناک و پر سروصدای سال

فیلم «وسواس» تمام تلاش خود را بر این گذاشته که با تکیه بر واهمه‌های ذهنی و روان‌شناختی، خشونت، تعلیق آزردهندند، جذایت‌های متفاوتی خلق کند؛ اما همه این مؤلفه‌ها به دلیل پرداختی سطحی و شتاب‌زده به نتیجه مطلوب نمی‌رسند. در نهایت، فیلم بیش از آنکه بر ظرفیت‌های ژانر وحشت تکیه کند به اثری روان‌شناختی تبدیل می‌شود که پایانش به تراژدی ختم می‌شود. این فیلم بیش از آنکه مخاطب را بترساند، تلاش می‌کند، او را با آشفتگی‌های ذهنی شخصیت اصلی درگیر کند؛ رویکردی که اگر با فیلم‌نامه‌ای منسجم‌تر همراه می‌شد، می‌توانست تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد. کاری بارکر، از فیلم‌سازان مستقل، «وسواس» را با بودجه ۷۵۰ هزار دلاری ساخت؛ فیلمی که با فروش بیش از ۴۰۴ میلیون دلار رسماً عنوان پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینما با بودجه‌ای کمتر از یک میلیون دلار را به‌دست آورد. همین موفقیت تجاری، توجه بسیاری از مخاطبان و منتقدان را به‌خود جلب کرد و انتظارات را از کیفیت اثر افزایش داد. داستان «وسواس» با پسری خجالتی به‌نام بارون، ملقب به بیر (مایکل جانستن) آغاز می‌شود که عاشق نیکی (ابندی ناوارتی) است؛ اما جرات ندارد عشقش را به زبان بیاورد، به‌ویژه آنکه نیکی نیز علاقه‌ای به او نشان نمی‌دهد. در این میان، گریه بیر به اشتباه قرص‌های او را می‌خورد و می‌میرد. بیر که هم از مرگ حیوان خانگی‌اش شوکه شده و هم زیر فشار ناتوانی در بیان احساساتش قرار دارد به نقطه فروپاشی می‌رسد. او سرانجام هدیه‌ای برای نیکی می‌خرد تا به بهانه آن باب گفت‌وگو را باز کند؛ اما نه هدیه‌ای معمولی بلکه اسباب‌بازی‌ای به نام «بید تک‌آرزو» که به گفته فروشنده، قادر است هر آرزویی را برآورده کند؛ البته به شرط آنکه صاحب مراقب باشد چه آرزویی می‌کند. بیر باز هم جرات نمی‌کند هدیه را

به نیکی بدهد و در عوض، خودش بر دا می‌شکند و آرزو می‌کند، نیکی او را بیش از هر کس دیگری در دنیا دوست داشته باشد. همین آرزو، زنجیره‌ای از اتفاقات غیرمنتظره و هولناک را رقم می‌زند. فیلم دارای پیرنگی ساده است و از همان ابتدا با مرگ سندی، گریه بیر، موتور محرک روایت روشن می‌شود؛ اما زبان روایی آن از انسجام لازم برخوردار نیست و گاه هوش مخاطب را نادیده می‌گیرد. آنچه بیش از همه آزردهنده است، بی‌توجهی فیلم‌ساز به گذشته و پیشینه دو شخصیت اصلی، یعنی بیر و نیکی، است. مخاطب

هرگز شناخت کافی از گذشته و زخم‌های

روحی آن دو پیدا نمی‌کند و همین مسئله باعث می‌شود بسیاری از تصمیم‌هایشان باورپذیر به‌نظر نرسد. با این حال آنچه برای بارکر اهمیت دارد، نمایش عشق مالکانه، وابستگی بیمارگونه و میل به تصاحب دیگری است؛ مفاهیمی که از طریق صحنه‌های خشونت‌آمیز و تعلیق‌های نسبتاً قابل پیش‌بینی به مخاطب منتقل می‌شوند.

این پیام‌ها نه از دل موقعیت‌های دراماتیک بلکه به شکلی مستقیم و آشکار به تماشاگر ارائه می‌شوند. ایده عشق وسواس‌گونه، ظرفیت بالایی برای خلق اثری ماندگار دارد؛ اما در اجرا، خام و سطحی باقی می‌ماند و از عمق روان‌شناختی لازم برخوردار نیست. فیلم بارها این هشدار را تکرار می‌کند که «مراقب باش چه آرزویی می‌کنی» و اینکه عشق و علاقه را نمی‌توان بسا اجبار، التماس یا دستکاری به‌دست آورد زیرا پیامدهای چنین خواسته‌ای جبران‌ناپذیر خواهد بود. با ایسن حال تکرار بیش از حد این مضمون از تأثیرگذاری آن می‌کاهد و فیلم را به اثری شعاری نزدیک می‌کند. از این‌رو «وسواس» بیش از آنکه در قالب یک فیلم وحشت متعارف قرار بگیرد، شباهت‌هایی به سبک جالو، یکی از زیرژانرهای سینمای وحشت ایتالیا، پیدا می‌کند. جالو که به‌معنای «زرد» است با بهره‌گیری از صحنه‌های غافلگیرکننده، خشونت بصری و شوک‌های ناگهانی، مخاطب را با خود همراه می‌کند؛ هرچند معمولاً از نظر انسجام داستانی چندان مستحکم نیست، «وسواس» نیز بیش از آنکه بر فضاسازی روانی و منطق روایی تکیه کند، سعی دارد از طریق شوک‌های پیاپی مخاطب را درگیر نگه دارد. از آنجا که بیشتر سکانس‌های فیلم در فضای بسته و خفقان‌آور خانه بیر رخ می‌دهد، انتظار می‌رود جلوه‌های بصری، میزانشن و قاب‌بندی‌ها کیفیت بالاتری داشته باشند؛ اما فیلم از این منظر نیز چندان موفق عمل نمی‌کند و ضعف‌های فنی آن به چشم می‌آید. بارکر در ترسیم مسیر اولیه روایت درام موفق ظاهر می‌شود اما در ادامه از حفظ انسجام آن بازمی‌ماند. یکی از ویژگی‌های مثبت فیلم، شخصیت نیکی است. او برخلاف هیولا‌های کلاسیک سینمای وحشت با همان چهره و فیزیکی که در ابتدای فیلم معرفی می‌شود تا پایان نیز حضور دارد و تغییر ظاهری اغراق‌آمیزی پیدا نمی‌کند. ترس او نه از ظاهر بلکه از رفتار و دگرگونی تدریجی شخصیتش ناشی می‌شود. اما اگر تصور کنیم تمام این وقایع صرفاً نتیجه جادوی «بید تک‌آرزو» است، سخت در اشتباهیم. ریشه همه اتفاقات در ضعف شخصیتی بیر نهفته است. او که از انزوا، افسردگی و احساس حقارت رنج می‌برد، آگاهانه عاشق نیکی می‌شود؛ اما به‌جای مواجهه با ترس‌هایش و تلاش برای رشد فردی، راه میانبری خیالی را انتخاب می‌کند. اگر می‌توانست بر احساس «دوست‌داشتنی نبودن» غلبه کند و تصویری سالم‌تر از خود بسازد، هرگز نیازی به آرزو کردن و جنگ زدن به هدیه‌ای رموز نداشت. در نهایت، نوک تیز تمام این ماجراها به یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم روان‌شناسی بازمی‌گردد: «من دوست‌داشتنی نیستم.» فیلم می‌کوشد، نشان دهد بسیاری از روابط بیمارگونه و وابستگی‌های افراطی از همین باور مخرب سرچشمه می‌گیرند؛ باوری که اگر درمان نشود، می‌تواند عشق را به خانه‌ای ویران شده تبدیل کند. همین ایده مهم‌ترین نقطه قوت فیلم است؛ هرچند پرداخت نه‌چندان عمیق آن اجازه نمی‌دهد «وسواس» به اثری ماندگار در ژانر وحشت روان‌شناختی تبدیل شود.

در سال‌های اخیر، «کبوتران روی چمن» بار دیگر در کانون توجه قرار گرفته است. بحث‌هایی که در سال ۲۰۲۳ دربارهٔ استفاده از واژه‌های نژادپرستانه در متن رمان شکل گرفت، نشان داد این اثر هم‌چنان توانایی برانگیختن بحث‌های مهم اجتماعی را دارد. برخی منتقدان خواستار حذف یاا تعدیل این واژه‌ها بودند، درحالی که بسیاری از پژوهش‌گران ادبی استدلال کردند که این زبان، بخشی از واقعیت تاریخی رمان است و حذف آن می‌تواند، درک انتقادی اثر را دشوار کند. اهمیت ماندگار این رمان در آن است که نشان می‌دهد، فاجعه تاریخی تنها در لحظه وقوع آن رخ نمی‌دهد. فاجعه واقعی اغلب در سال‌های بعد آشکار می‌شود؛ زمانی‌که جامعه باید با پیامدهای اخلاقی و روانی آن زندگی کند. کوپن با دقتی بی‌رحمانه نشان می‌دهد چگونه یک شهر می‌تواند ظاهراً به زندگی عادی بازگردد، درحالی که در زیر سطح آن نیروهای تاریک گذشته همچنان فعال‌اند. جنگ، هرچند ویران‌گر، نوعی معنا تولید می‌کند. در زمان جنگ، افراد می‌دانند چه باید بکنند؛ بجنگند، مقاومت کنند یا صرفاً زنده بمانند اما صلح چنین ساختاری ندارد. صلح می‌تواند به خلأیی تبدیل شود که در آن انسان باید معنای زندگی خود را از نو بیافریند. برای بسیاری از مردم، پایان جنگ به‌معنای رهایی فوری نبود؛ بلکه آغاز دوره‌ای از سردرگمی بود. در دوران جنگ، با وجود خشونت و دشواری، نوعی هدف و ضرورت وجود داشت. پس از جنگ، آن هدف از میان رفت و انسان‌ها با پرسش دشوار «اکنون چه باید کرد؟» رویهرو شدند. از این منظر، رمان کوپن تنها دربارهٔ آلمان دههٔ ۱۹۵۰ نیست. «کبوتران روی چمن» تصویری از وضعیت انسان مدرن ارائه می‌دهد: انسانی که در میان ویرانه‌های تاریخ ایستاده و می‌کوشد، معنایی تازه برای زندگی بیابد؛ انسانی که هم‌زمان با صدایی پنهان رویهرو است که پیوسته یادآوری می‌کند: گذشته را نمی‌توان از یاد برد. در ترجمهٔ فارسی رمان، ژرژ انگشتی کوشیده است، زبان و لحن کوپن را حفظ کند. ترجمهٔ او نه سنگین و بیش از حد رسمی است و نه با امروزی‌سازی افراطی فاصله تاریخی متن را از میان می‌برد. این تعادل، به‌ویژه در بازاریابی گفت‌وگوهایی که از طبقات اجتماعی گوناگون می‌آیند، اهمیت دارد. او با پرئیز از بومی‌سازی تصنعی، چندصدایی متن را تا حد زیادی دست‌نخورده نگه می‌دارد و امکان می‌دهد، خواننده فارسی‌زبان این جهان بحران‌زده را با دقت و وضوح بیشتری تجربه کند.



تصادف‌ها نباشد. این نگاه به‌طور مستقیم با بحران معنای قرن بیستم پیوند دارد. پس از تجربهٔ جنگ جهانی دوم و هولوکاست بسیاری از روشنفکران اروپایی این پرسش را مطرح کردند که آیا هنوز می‌توان به نظم عقلانی تاریخ باور داشت. کوپن در رمان خود، پاسخی قطعی ارائه نمی‌دهد اما جهان داستانی او نشان می‌دهد، یقین‌های گذشته فروپاشیده‌اند.

از نظر فرمی نیز «کبوتران روی چمن» یکی از تجربه‌های مهم ادبیات مدرن آلمان است. تکنیک مونتاژ، تک‌گویی درونی و تغییر مداوم زاویه دید یادآور آثار نویسندگانی چون جیمز جویس، ویلیام فاکنر و جان دوس پاسوس است. کوپن با بهره‌گیری از این شیوه‌ها، نوعی چندصدایی می‌آفریند که در آن هیچ صدایی بر دیگری سلطه ندارد و خواننده ناگزیر است، معنای کلی را از دل این صداهای پراکنده بازسازی کند. همین ساختار چندصدایی سبب می‌شود، شهر در رمان به نوعی شخصیت جمعی بدل شود. خیابان‌ها، کافه‌ها، هتل‌ها و مغازه‌ها صحنه‌هایی هستند که شخصیت‌ها در آن‌ها با یکدیگر برخورد می‌کنند. بسیاری از این برخوردها تصادفی‌اند اما همین تصادف‌ها، شبکه‌ای از ارتباطات پنهان را می‌سازند. جهان رمان همچون کالیدوسکوپ از تصاویر است که پیوسته شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد. یکی از جنبه‌های جالب توجه رمان، حضور مداوم خبرهای روزنامه‌ای در متن است. این خبرها فضای تاریخی زمانه را تقویت می‌کنند و نشان می‌دهند، زندگی روزمره شخصیت‌ها همواره با جریان بزرگ‌تر تاریخ درهم تنیده است. بدین ترتیب، مرز میان روایت داستانی و واقعیت تاریخی تا حدی محو می‌شود.

فکری گذشته می‌اندیشند. خشونت‌ی که در پایان رمان علیه سربازان سیاه‌پوست رخ می‌دهد، تنها یک حادثه نیست؛ بلکه نشانه‌ای است از استمرار گذشته در ساختار ذهنی جامعه.

فروپاشی یقین‌های گذشته

صحنهٔ پایانی رمان یکی از تکان‌دهنده‌ترین لحظات آن است. شایعات دربارهٔ قتل یک راننده تاکسی و یک کودک، جمعیتی خشمگین را به خیابان‌ها می‌کشاند. هدف خشم آنان، باشگاه جاز محل تجمع سربازان سیاه‌پوست است. جمعیت به‌سرعت به خشونت رو می‌آورد و در نهایت واشینگتن و کارلا به اشتباه به‌عنوان قاتلان معرفی می‌شوند. سنگ‌هایی که به سوی آنان پرتاب می‌شود، تنها ابزار خشونت نیستند؛ بلکه نماد بازگشت همان روح جمعی‌اند که چند سال پیش زمینه‌ساز فاجعه‌ای بزرگ‌تر شده بود. این صحنه نشان می‌دهد، خشونت جمعی چگونه می‌تواند در جامعه‌ای ظاهراً آرام دوباره بیدار شود. در این لحظه مرز میان گذشته و حال از میان می‌رود. آن‌چه رخ می‌دهد، نه صرفاً یک شورش خیابانی بلکه یادآوری هراس‌آور این حقیقت است که تاریخ می‌تواند خود را تکرار کند.

عنوان رمان نیز حامل همین نگاه فلسفی است. «کبوتران روی چمن» تصویری ظاهراً آرام و روزمره است اما در متن رمان به استعاره‌ای از وضعیت انسان تبدیل می‌شود. شخصیت‌ها همچون کبوترانی‌اند که به‌طور تصادفی بر چمنی نشسته‌اند؛ حضورشان موقتی است و حرکت‌شان تابع تصادف. در این جهان، هیچ طرح بزرگ یا معنای قطعی‌ای وجود ندارد؛ تاریخ نیز شاید چیزی جز مجموعه‌ای از همین

که با گردش دامن‌ی توپ، صبر تاکتیکی و فشار جمعی حرفان را فرسوده می‌کند. اسپانیا در مرحله گروهی به طور میانگین نزدیک به ۷۰ درصد مالکیت توپ را در اختیار داشت و در بازی با بلژیک نیز تقریباً همین رویکرد را دنبال کرد. با این حال هرچه تیم به مراحل حساس‌تر نزدیک‌تر می‌شود این حس تقویت می‌شود که شاید اکنون زمان مناسبی باشد تا بزرگ‌ترین ستاره این جمع نیز لحظه تعیین‌کننده خودش را رقم بزند. به نظر می‌رسد خود یامال نیز همین احساس را دارد. او در پایان صحبت‌هایش گفت که با اعتماد بهنفس بسیار بالایی وارد این دیدار می‌شود و مطمئن است همه چیز خوب پیش خواهد رفت؛ به گفته او، روز بسیار خاصی در انتظار تیم ملی اسپانیاست.

سومین رویارویی

دیدار پیش‌رو با فرانسه، سومین رویارویی مهم یامال و امپایه در دو سال اخیر خواهد بود. اسپانیا پیش از این دو بار فرانسه را شکست داده است: نخست در نیمه‌نهایی یورو ۲۰۲۴ با نتیجه ۲ بر یک، سپس در فینال پرگل لیگ ملت‌های اروپا در ژوئن ۲۰۲۵ با نتیجه ۵ بر ۴. یامال در هر دو این دیدارها موفق به گلزنی شده بود. وقتی از او پرسیده شد آیا برای این رویارویی سوم با امپایه هیجان‌زده است، پاسخ کوتاه او تنها این بود که واقعاً منتظر این بازی است. یامال درباره سبک بازی احتمالی فرانسه نیز توضیح داد که انتظار دارد این تیم برای بازپس‌گیری توپ روی اسپانیا فشار بیاورد اما بعد می‌داند، بتوانند در تمام زمین به صورت نفر به نفر مقابل بازیکنان اسپانیا پرس کنند. او تأکید کرد که فرانسه هم در خط حمله و هم در دفاع کیفیت بسیار بالایی دارد و تیمی فیزیکی محسوب می‌شود اما اسپانیا قصد دارد به سبک بازی خودش پایبند بماند و مالکیت توپ را در اختیار داشته باشد.

نبرد دو فلسفه متفاوت

دلا فوئنته دیدار نیمه‌نهایی را رویارویی دو سبک کاملاً متفاوت فوتبال توصیف کرده است. فرانسه تیمی است با استعداد هجومی کم‌نظیر که بازیکنانش با سرعت و جسارت به سمت خط دفاعی حریف حمله می‌کنند، چه در ضدحمله و چه در فضاهای تنگ نزدیک محوطه جریمه. در مقابل، اسپانیا

ترجیح می‌دهد با نظم، ثبات و گردش مداوم توپ بازی را کنترل و حریف را به مرور خسته کند؛ رویکردی که آنها را به یکی از سرسخت‌ترین خطوط دفاعی این جام جهانی نیز تبدیل کرده است. نیکو ویلیامز نیز با اشاره به تجربه بازی‌های سرنوشت‌ساز گذشته گفت که چنین دیدارهایی معمولاً با کوچک‌ترین جزئیات تعیین می‌شوند. او افزود که هر دو تیم به خوبی سبک بازی یکدیگر را می‌شناسند و مدت‌هاست منتظر چنین دیداری بوده چراکه این همان مسابقه‌ای است که واقعاً نشان می‌دهد، تیمش از چه جنسی است و چه میزان انگیزه برای قهرمانی دارد.

اعتماد به نفیس جمعی

دلا فوئنته از زمانی که هدایت تیم ملی اسپانیا را برعهده گرفته، تنها دو باخت را تجربه کرده و تیمش اکنون در ۱۳ بازی متوالی میان جام جهانی و یورو شکست نخورده است. او پیش از دیدار نیز تأکید کرده بود که ایمان کاملی به تیم و شیوه بازی آن دارد و دلیلی برای تردید وجود ندارد؛ هرچند در عین حال گفت که کار تیمش هنوز به پایان نرسیده و آنها پیش از رسیدن به این مرحله، خواهان قهرمانی هستند. پیروزی برابر بلژیک، با وجود اینکه راحت به دست نیامد، بار دیگر ثابت کرد اسپانیا یکی از کامل‌ترین تیم‌های این جام است. بلژیک در غیاب آمادو اوانا و یسوری تیلمانس، عملکردی قابل قبول در خط میانی داشت و حتی توانست با گلی از شارل د کلاره، نتیجه را به تساوی برساند؛ نخستین گلی که دروازه اسپانیا پس از ۶۴۹ دقیقه دریافت کرد، رکوردی که طولانی‌ترین دوره بسته نگه داشتن دروازه در تاریخ جام جهانی محسوب می‌شود. اما در نهایت این میکِل مَرینو بود نه یامال، که با گلی در دقایق پایانی، برای سومین‌بار در یک بازی حذفی مهم، تیم ملی اسپانیا را نجات داد. با این حال هرچه به نیمه‌نهایی نزدیک‌تر می‌شویم، نگاه‌ها بیش از پیش به سمت یامال کشیده می‌شود. جوانی که با وجود تنها یک گل در این جام، اعتماد به‌نفسش کمترین خدش‌های برنداشته و آشکارا اعلام کرده، منتظر لحظه‌ای است که به گفته خودش، «روز بسیار خاصی» خواهد بود؛ دیداری که به باور بسیاری، از جمله تیبو کورتوا، دروازه‌بان بلژیک، می‌تواند سرنوشت قهرمانی جهان را رقم بزند.



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

فشار فروش

چرا شاخص ۱۰۴ هزار واحد کاهش یافت؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

معاملات بورس تهران دیروز با برتری کامل فروشندگان به پایان رسید و بازار یکی از ضعیف‌ترین روزهای معاملاتی هفته‌های اخیر را پشت سر گذاشت. از ابتدای معاملات موج عرضه بر بازار حاکم بود و در اغلب نمادها شاهد کاهش قیمت‌ها بودیم. اگرچه در دقایق پایانی از شدت فشار فروش اندکی کاسته شد اما این تغییر محدود نتوانست، تصویر کلی بازار را تغییر دهد و شاخص‌ها در پایان روز با افت قابل توجهی مواجه شدند. شاخص کل بورس در پایان معاملات با کاهش ۱۰۴ هزار و ۲۳۵ واحدی معادل ۱۰.۹۷ درصد، در سطح ۵ میلیون و ۱۸۲ هزار واحد ایستاد. شاخص هم‌وزن نیز که نمای بهتری از وضعیت کلی شرکت‌های کوچک و متوسط ارائه می‌دهد ۱۸ هزار و ۴۰۳ واحد معادل ۱۰.۳۳درصد کاهش یافت و به ارتفاع یک میلیون و ۳۶۵ هزار واحد رسید. افت همزمان این دو شاخص نشان می‌دهد که فشار فروش تنها محدود به چند نماد بزرگ و شاخص‌ساز نبوده و بخش گسترده‌ای از بازار را دربر گرفته است. معاملات روز شنبه از همان دقایق ابتدایی با فشار عرضه آغاز شد. بسیاری از نمادها در محدوده منفی معامله شدند و تقاضای کافی برای جذب حجم فروش وجود نداشت. در ادامه معاملات نیز این روند تغییر محسوسی نکرد و فروشندگان تا پایان بازار، کنترل جریان معاملات را در دست داشتند. تنها در نیم ساعت پایانی، نشانه‌هایی از کاهش فشار فروش دیده شد و برخی نمادها توانستند، بخشی از افت روزانه خود را جبران کنند. با این حال این بهبود بسیار محدود بود. شاخص کل تنها حدود ۵ هزار واحد از افت خود را در پایان معاملات جبران کرد؛ رقمی که در برابر کاهش بیش از ۱۰۰ هزار واحدی شاخص، تاثیر چندانی بر روند کلی بازار نداشت. آمار معاملات نیز تصویری روشن از برتری فروشندگان ارائه می‌دهد. در پایان روز تنها ۲۲۸ نماد در محدوده مثبت قرار داشتند، درحالی‌که ۵۶۹ نماد با کاهش قیمت به کار خود پایان دادند. همچنین تعداد نمادهای دارای صف فروش به ۳۴۸ نماد رسید، در مقابل تنها ۱۴۸ نماد در صف خرید قرار داشتند. در سمت سفارش‌ها نیز فاصله میان عرضه و تقاضا قابل توجه بود. ارزش سفارش‌های فروش در پایان بازار به ۶ هزار و ۲۵۲ میلیارد تومان رسید، درحالی‌که ارزش سفارش‌های خرید حدود ۳ هزار و ۷۴۴ میلیارد تومان بود. این اختلاف نشان می‌دهد که در پایان معاملات همچنان فشار عرضه بر بازار غالب بوده است. یکی از نکات مهم معاملات شنبه، افت شدید ارزش دادوستدها بود. ارزش معاملات خرد سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی به ۲۶ هزار و ۸۸۹ میلیارد تومان رسید؛ درحالی‌که در آخرین روز معاملاتی هفته گذشته این رقم از ۵۰ هزار و ۸۸۴ میلیارد تومان عبور کرده بود. به این ترتیب حجم معاملات تقریباً نصف شد که نشان‌دهنده کاهش فعالیت معامله‌گران و افزایش احتیاط در بازار است. همزمان با افت ارزش معاملات، خروج سرمایه حقیقی‌ها نیز ادامه یافت. در مجموع حدود ۵ هزار و ۱۸۰ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شد. این درحالی است که صندوق‌های درآمد ثابت با ورود ۳۳۴ میلیارد تومان نقدینگی مواجه شدند؛ موضوعی که نشان می‌دهد، بخشی از سرمایه‌گذاران ترجیح داده‌اند در شرایط نامطمئن، منابع خود را به سمت دارایی‌های کم‌ریسک‌تر منتقل کنند. مجموع تحولات روز شنبه نشان می‌دهد، بورس تهران هفته جدید را در شرایطی دشوار آغاز کرده است؛ بازاری که همزمان با افت شاخص‌ها، کاهش ارزش معاملات و خروج پول حقیقی با تردید سرمایه‌گذاران نسبت به چشم‌انداز کوتاه‌مدت مواجه است. ادامه این روند بیش از هر چیز به بازگشت اعتماد، کاهش نااطمینانی و شکل‌گیری تقاضای پایدار در بازار بستگی دارد.

آگهی مفقودی

سند کمپانی و برگ سبز خودرو ی سواری رنو هاچ پک مدل ۲۰۱۷ رنگ سفید -متالیک به شماره موتور F۴RE۴۱۷C۰۵۴۷۹۰ و شماره شاسی VF۱HSRCH۳HA۵۳۸۸۶۷ و شماره پلاک ۲۳۳۴۴-۶۶ به نام سیده نیره زارع ۲۳۳۴۴-۶۶ فروزند سید موسی به شماره ملی۲۶۷۸۴۸۶۰۹۵ مفقوده گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. نوبت چاپ: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

دیجیتال سنتی

چرا اقتصاد دیجیتال ایران شبیه اقتصاد سنتی می‌شود؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

اقتصاد دیجیتال قرار بود، آینده اقتصاد ایران باشد. بخشی که بتواند بدون نیاز به منابع عظیم طبیعی، بدون وابستگی به کارخانه‌های بزرگ و بدون گرفتار شدن در محدودیت‌های اقتصاد سنتی، مسیر تازه‌ای برای رشد ایجاد کند. وعده اقتصاد دیجیتال، وعده شکستن مرزها بود. کاهش هزینه‌ها، افزایش رقابت، دسترسی آسان‌تر مصرف‌کنندگان به خدمات و ایجاد فرصت برای نسل جدیدی از کارآفرینان. اما پس از گذشت بیش از یک دهه از شکل‌گیری موج استارت‌آپی در ایران پرسشی جدی مطرح شده است. اینکه آیا اقتصاد دیجیتال توانسته مسیر متفاوتی از اقتصاد سنتی ایجاد کند یا به تدریج همان مشکلات قدیمی را در قالبی جدید بازتولید کرده است؟

اقتصاد دیجیتال در بسیاری از کشورها با این تصور شکل گرفت که فناوری می‌تواند، موانع سنتی رشد را کاهش دهد. یک کسب‌وکار اینترنتی برای آغاز فعالیت خود به کارخانه، زمین بزرگ یا شبکه توزیع گسترده نیاز ندارد. یک برنامه‌نویس می‌تواند، محصولی تولید کند که میلیون‌ها کاربر داشته باشد و یک پلتفرم دیجیتال می‌تواند در مدت کوتاهی، بازاری بزرگ ایجاد کند. همین ویژگی‌ها باعث شد بسیاری تصور کنند، اقتصاد دیجیتال می‌تواند راهی برای عبور از محدودیت‌های ساختاری اقتصادهای سنتی باشد. در کشور ما نیز ظهور پلتفرم‌های بزرگ، فروشگاههای اینترنتی، تاکسی‌های آنلاین، خدمات پرداخت، شرکت‌های فناوری مالی و ده‌ها کسب‌وکار نوآور، این امید را ایجاد کرد که شاید اقتصاد دیجیتال بتواند، بخشی از مشکلات تاریخی اقتصاد ایران را حل کند. اما امروز نشانه‌هایی دیده می‌شود که این بخش نیز با همان چالش‌هایی روبه‌رو شده که سال‌ها گریبان صنایع سنتی را گرفته بود. بیایید با هم این مشکلات را مرور کنیم.

یکی از مهم‌ترین وعده‌های اقتصاد دیجیتال، افزایش رقابت بود. فناوری قرار بود، ورود بازیگران جدید را آسان‌تر کند و انحصارهای قدیمی را کاهش دهد. اما تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که بازارهای دیجیتال نیز می‌توانند به سمت تمرکز حرکت کنند. در بسیاری از بازارهای دیجیتال، مزیت اصلی نصیب شرکت‌هایی می‌شود که زودتر رشد کرده‌اند و توانسته‌اند تعداد بیشتری کاربر، داده و سرمایه جذب کنند. این ویژگی که در اقتصاد دیجیتال به اثر شبکه معروف است، باعث می‌شود فاصله میان بازیگران بزرگ و کوچک به سرعت افزایش پیدا کند. پلتفرمی که کاربران بیشتری دارد، خدمات بیشتری ارائه می‌دهد و داده بیشتری جمع‌آوری می‌کند، می‌تواند موقعیت خود را تثبیت کند. در نتیجه، اقتصادی که قرار بود رقابتی‌تر باشد ممکن است در برخی حوزه‌ها به بازاری با چند بازیگر بزرگ تبدیل شود. این مسئله البته فقط مختص ایران نیست و در بسیاری از اقتصادهای پیشرفته نیز دربارۀ قدرت شرکت‌های بزرگ فناوری بحث‌های گسترده‌ای شکل گرفته است. اما در ایران محدود بودن اندازه بازار،

دشواری جذب سرمایه و موانع ورود به بازارهای جهانی می‌تواند این روند را تشدید کند.

از سوی دیگر بسیاری از کارآفرینان دیجیتال در آغاز فعالیت خود تصور می‌کردند، فناوری می‌تواند آنها را از مشکلات رایج بنگاه‌های سنتی دور نگه دارد. اما با گذشت زمان بسیاری از همان موانع قدیمی دوباره ظاهر شدند. تغییرات ناگهانی مقررات، نبود چارچوب‌های پایدار، دشواری پیش‌بینی آینده، محدودیت دسترسی به منابع مالی و پیچیدگی تعامل با نهادهای مختلف، مشکلاتی هستند که کسب‌وکارهای دیجیتال نیز با آنها مواجه شده‌اند. در اقتصادهای توسعه‌یافته یکی از مهم‌ترین عوامل رشد شرکت‌های فناوری، دسترسی به سرمایه خطرپذیر، ارتباط با دانشگاه‌ها، بازارهای جهانی و نیروی انسانی متخصص است. اما در ایران بسیاری از این حلقه‌ها با محدودیت مواجه‌اند. سرمایه‌گذاری خطرپذیر هنوز عمق کافی پیدا نکرده، ارتباط با بازارهای جهانی دشوار است و مهاجرت نیروی متخصص، یکی از نگرانی‌های اصلی فعالان این حوزه محسوب می‌شود. به این ترتیب شرکت‌هایی که قرار بود نماد اقتصاد آینده باشند اغلب درگیر همان مسئله‌ای می‌شوند که بنگاه‌های سنتی دهه‌ها با آن دست‌وپنجه نرم کرده‌اند. اینکه چگونه در محیطی با عدم قطعیت بالا برای آینده برنامه‌ریزی کنند.

حالا بیایید به یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصاد دیجیتال بپردازیم. قطعی برق و اینترنت.

اقتصاد دیجیتال بیش از هر بخش دیگری به زیرساخت وابسته است. برای یک کارخانه، برق و مواد اولیه اهمیت حیاتی دارد. برای یک کسب‌وکار دیجیتال، اینترنت و دسترسی پایدار به شبکه جهانی همان نقش را ایفا می‌کند. در سال‌های اخیر محدودیت‌های دسترسی به اینترنت، کاهش کیفیت ارتباطات، دشواری دسترسی به خدمات جهانی و محدودیت استفاده از برخی ابزارهای فناوری به یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های فعالان اقتصاد دیجیتال تبدیل شده است. اقتصاد دیجیتال بدون ارتباط پایدار بس جهان نمی‌تواند به ظرفیت کامل خود برسد. بسیاری از شرکت‌های فناوری برای توسعه محصول، جذب مشتری، استفاده از خدمات ابری، همکاری بین‌المللی و حضور در بازارهای جهانی به زیرساخت ارتباطی گسترده نیاز دارند. هرچه این ارتباط محدودتر شود، فرصت رشد نیز کاهش پیدا می‌کند. این مسئله باعث شده است، بخشی از شرکت‌های ایرانی به جای تمرکز بر نوآوری و توسعه بازار، انرژی خود را صرف حل مسائل زیرساختی و تطبیق با محدودیت‌ها کنند.

اما یکی از پرسش‌های اصلی درباره اقتصاد دیجیتال ایران این است که آیا مشکل اصلی کمبود فناوری است؟ آیا ایران به اندازه کافی برنامه‌نویس، متخصص یا ایده نوآورانه ندارد؟ پاسخ بسیاری از فعالان این حوزه منفی است. ایران طی سال‌های گذشته نیروی انسانی توانمند در حوزه فناوری تربیت کرده و نمونه‌های موفقی از کسب‌وکارهای دیجیتال ایجاد شده‌اند. مسئله اصلی بیشتر به محیطی بازمی‌گردد که این کسب‌وکارها در آن فعالیت می‌کنند. اقتصاد دیجیتال برای رشد

نیازمند همان چیزهایی است که هر اقتصاد دیگری به آنها نیاز دارد: ثبات قوانین، رقابت، دسترسی به سرمایه، حقوق مالکیت، ارتباط با اقتصاد جهانی و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت. به همین دلیل مسئله اقتصاد دیجیتال ایران را نمی‌توان صرفاً یک مسئله فناوری دانست. فناوری تنها ابزار است؛ آنچه مسیر موفقیت یا شکست را تعیین می‌کند، کیفیت نهادها و قواعد بازی اقتصادی است. با وجود همه مشکلات، نمی‌توان منکر دستاوردهای اقتصاد دیجیتال ایران شد. میلیون‌ها نفر امروز از خدمات آنلاین استفاده می‌کنند، کسب‌وکارهای جدیدی شکل گرفته‌اند و بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی بدون پلتفرم‌های دیجیتال قابل تصور نیستند. اقتصاد دیجیتال هنوز یکی از معدود حوزه‌هایی است که می‌تواند، فرصت‌های جدید رشد ایجاد کند. اما برای تحقق این ظرفیت باید از یک تصور ساده عبور کرد. اینکه صرفاً با ورود فناوری، مشکلات اقتصادی حل می‌شوند. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که فناوری به‌تهایی نمی‌تواند جایگزین اصلاحات نهادی شود. اگر قواعد اقتصادی تغییر نکند حتی مدرن‌ترین کسب‌وکارها نیز ممکن است در همان چارچوب‌های قدیمی گرفتار شوند. اکنون این پرسش پیش می‌آید که آیا اقتصاد دیجیتال ایران می‌تواند، قواعد بازی اقتصاد سنتی را تغییر دهد یا خود به نسخه دیجیتالی همان اقتصاد تبدیل خواهد شد؟ ناظران می‌گویند: اقتصاد دیجیتال زمانی جذاب بود که تصور می‌شد، می‌تواند از بسیاری از محدودیت‌های تاریخی اقتصاد ایران عبور کند. کسب‌وکارهای فناوری قرار بود بدون نیاز به سرمایه‌های سنگین، بدون وابستگی به منابع طبیعی و بدون گرفتار شدن در ساختارهای قدیمی، فرصت‌های تازه‌ای برای رشد ایجاد کنند. قرار بود یک ایده خوب، یک تیم کوچک و یک بازار بزرگ، بتواند جایگزین مسیرهای سنتی کسب‌وکار شود. اما تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که فناوری به‌تهایی نمی‌تواند قواعد اقتصاد را تغییر دهد. اقتصاد دیجیتال نیز در نهایت درون همان محیط نهادی و اقتصادی فعالیت می‌کند که بنگاه‌های سنتی سال‌ها با آن مواجه بوده‌اند. اگر اقتصاد با نااطمینانی، تغییرات مکرر مقررات، دشواری دسترسی به سرمایه، محدودیت ارتباط با جهان و ضعف رقابت مواجه باشد، شرکت‌های فناوری نیز از این مشکلات مصون نخواهند بود. تفاوت فقط در شکل مسئله است. همان موانع قدیمی این بار در قالبی جدید ظاهر می‌شوند. شاید مهم‌ترین تفاوت اقتصاد دیجیتال با اقتصاد سنتی، سرعت رشد و مقیاس‌پذیری آن باشد. یک شرکت فناوری می‌تواند در مدت کوتاهی، میلیون‌ها کاربر جذب کند و به یکی از بازیگران مهم بازار تبدیل شود. اما همین ویژگی، چالش‌های جدیدی نیز ایجاد می‌کند. بازارهای دیجیتال به دلیل اهمیت داده و اثر شبکه، مستعد تمرکز هستند و شرکت‌هایی که زودتر رشد می‌کنند، می‌توانند مزیت بزرگی نسبت به رقیب پیدا کنند. بنابراین اقتصادی که قرار بود رقابت را افزایش دهد، ممکن است در شرایطی خاص به سمت شکل‌های جدیدی از تمرکز حرکت کند.

تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که اقتصاد دیجیتال بیش از هر چیز به اعتماد، ثبات، سرمایه‌گذاری و ارتباط با بازارهای جهانی نیاز دارد. فناوری زمانی می‌تواند موتور رشد شود که در کنار آن، نهادهای اقتصادی نیز توان همراهی داشته باشند. بدون این پیش‌شرط‌ها حتی پیشرفت‌ترین فناوری‌ها نیز ممکن است در چارچوب مشکلات قدیمی گرفتار شوند. آینده اقتصاد دیجیتال ایران به این بستگی دارد که آیا می‌تواند از الگوهای سنتی فاصله بگیرد یا نه. اگر قرار باشد همان موانع، همان محدودیت‌ها و همان قواعد ناکارآمد گذشته ادامه پیدا کند، اقتصاد دیجیتال تنها شکل جدیدی از همان اقتصاد قدیمی خواهد بود. اما اگر قواعد بازی تغییر کند همین بخش می‌تواند به یکی از معدود موتورهای رشد، بهره‌وری و نوآوری در اقتصاد ایران تبدیل شود.

اداره ثبت و اسناد حوزه حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت

آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵/۰۲۴/۱۸۰۰۱۰۲۴۰۵۳ مورخ ۱۴۰۵/۱۲/۰۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای نادعلی رحیمی به شماره ملی ۵۰۹۹۴۴۶۴۶۹ فرزند محمد علی در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احداثی به مساحت ۲۲۶/۶۸ متر مربع به شماره ۱۲۲ فرعی مجزی از ۳ از اصلی ۲۶ واقع در بخش ۹ گیلان حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت ، نام مالک رسمی اولیه سید محمد حسین بشراتی چوکده احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی به متقاضی محرز گردیده است .

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
شناسه آگهی:۲۲۲۱۶۷۹
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۴/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۰۶

رییس ثبت اسناد و املاک ناحیه یک رشت غفار فرزانه

اداره ثبت و اسناد حوزه حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت

آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵/۰۲۴/۱۸۰۰۱۰۱۰۱۲۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۴ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم نسرین شوشتری به شماره ملی ۴۲۲۳۴۶۲۸۴۰ فرزند اکبر در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۴۵۲/۶۳ متر مربع به شماره ۱۲۳ فرعی مجزی از ۳ از اصلی ۲۶ واقع در بخش ۹ گیلان حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت نام مالک رسمی اولیه گل محمد فیاضی چوکده احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی به متقاضی محرز گردیده است .

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
شناسه آگهی: ۲۲۲۱۶۹۰
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۴/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۰۶

رییس ثبت اسناد و املاک ناحیه یک رشت غفار فرزانه

اداره ثبت و اسناد حوزه حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت

آگهی موضوع ماده ۳ و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵/۰۳/۲۴/۱۸۰۰۱۰۱۲۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۴ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی حسینی به شماره ملی ۴۲۲۳۴۴۱۱۳۲۹ فرزند ابراهیم در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۴۵۳/۶۳ متر مربع به شماره ۱۳۳ فرعی مجزی از ۳ از اصلی ۲۶ واقع در بخش ۹ گیلان حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت نام مالک رسمی اولیه گل محمد فیاضی چوکده احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی به متقاضی محرز گردیده است .

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
شناسه آگهی:۲۲۲۱۷۰۶
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۴/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۰۶

رییس ثبت اسناد و املاک ناحیه یک رشت غفار فرزانه

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

موضوع : آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۰۰۸ مورخ ۱۴۰۵/۳/۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحدثبتی حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی ، مالکیت آقای خدا بخش گلی به شناسنامه شماره ۴۴ کدملی ۱۱۹۷۲۱۶۱۱ صادره شهرضا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی ، بدون درج اعیان و با کاربری کشاورزی (با توجه به نامه اداره جهاد کشاورزی)به مساحت ۵۱۶.۵۰ متر مربع پلاک شماره ۴۶۱۶ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان مع الاوسطه و به موجب پلاک نامه عادی از طرف آقای نعمت اله صادقی دستجردی (مالک رسمی به متقاضی واگذار گردیده است و متقاضی نیز به موجب یک فقره استشهادیه محلی که به تأیید شهود محلی رسیده است اعلام داشته به مالک رسمی فوق الذکر دسترسی ندارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه آگهی:۲۲۱۹۴۱۴
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۴/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۰۵
حسین عینی- رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه جنوب اصفهان

بن‌بست دارویی

تجمع بیماران خودایمنی در پیاده‌روهای وزارت بهداشت

فانژه مومنی

گروه اجتماعی



صدای اعتراض بیماران خودایمنی بار دیگر در برابر ساختمان وزارت بهداشت در تهران طنین‌انداز شد؛ تجمعی که این بار به بسته شدن موقت درهای ورودی این وزارتخانه و کشیده شدن اعتراضات به خیابان‌های اطراف انجامید. بیمارانی که برای بقای خود به داروهای حیاتی وابسته‌اند، می‌گویند افزایش ناگهانی و سرسام‌آور قیمت‌ها و نایاب شدن اقلام دارویی، زندگی آنها را به مرز فروپاشی رسانده است. یکی از معترضان می‌گوید: «دارویی که پیش از این ۱۰۰ هزار تومان می‌خریدیم را اکنون باید در بازار آزاد به قیمت ۳۲ میلیون تومان تهیه کنیم».

این بحران، تازگی ندارد؛ بررسی سیر تحولات ماه‌های گذشته نشان می‌دهد که بازار دارویی ایران با یک «بحران مزمن و ساختاری» دست‌وپنجه نرم می‌کند که ریشه در زنجیره‌ای از مشکلات ارزی، تحریم‌های بانکی، سیاست‌های توزیع ناکارآمد و ناترازی عمیق منابع بیمه‌ای دارد.

پیشینه بحران

برای درک ابعاد این بحران باید به سال گذشته بازگشت. در خردادماه ۱۴۰۴ همزمان با روز جهانی «ام‌اس»، متخصصان و مدیران انجمن‌های غیردولتی از یک سوء‌مدیریت پنهان و رشد آرام اما نگران‌کننده بیماری‌های خودایمنی در ایران پرده برداشتند.

عبدالحسین هوشمند، مدیرعامل انجمن ام‌اس ایران در تاریخ ۷ خرداد سال گذشته اعلام کرد که آمار مبتلایان به این بیماری از ۱۲۰ هزار نفر عبور کرده و سالانه ۶۵۰۰ ایرانی جدید به آن مبتلا می‌شوند. ایران که سال‌ها پیش وضعیتی متوسط داشت اکنون به یکی از کشورهای با شیوع بالا در خاورمیانه تبدیل شده است.

سلامت

«ابر معضل» پسماند در گیلان

چراگاه گاوها در میان زباله‌های عفونی تالش

گروه اجتماعی: انتشار ویدئویی کوتاه اما تکان‌دهنده در شبکه‌های اجتماعی از محل دیوی زباله در شهرستان تالش، بار دیگر بحران کهنه، ساختاری و زیست‌محیطی پسماند در استان گیلان را به صدر اخبار بازگرداند. در این تصاویر، گاوها در حال چریدن و تغذیه در میان انبوهی از زباله‌ها دیده می‌شوند؛ زباله‌هایی که پسماندهای خطرناک بیمارستانی و عفونی نیز بخشی از آنهاست. این تصویر عریان از فروپاشی استانداردهای بهداشتی، خشم عمومی را برانگیخته و ناظران را نسبت به ورود آلودگی‌های میکروبی و شیمیایی به زنجیره غذایی و سفره مردم منطقه نگران کرده است. اما بررسی توالی رویدادها و اظهارات مقامات در ماه‌های گذشته نشان می‌دهد که فاجعه تالش، نه یک حادثه منزوی بلکه نمادی از یک «ابر معضل» سراسری است که سراسر خطه سبز شمال ایران را در خود غرق می‌کند.

پیشینه بحران: مهاجرت، گردشگری و زباله‌های دو برابر شده

برای درک ابعاد این بن‌بست زیست‌محیطی باید به اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ بازگشت؛ زمانی که مرتضی عاطفی، رئیس سازمان پسماند گیلان، در همایش مدیریت گردشگری سبز در بندر انزلی زنگ خطر را به‌صدا درآورد. به گفته عاطفی تا پیش از موج گسترده مهاجرت‌های داخلی به استان گیلان، روزانه ۲ هزار و ۵۰۰ تن زباله در این استان تولید می‌شد. اما این رقم اکنون به دوبرابر - یعنی ۵ هزار تن در روز- افزایش یافته است. هادی حق‌شناس، استاندار گیلان، نیز با اتکا به آمارهای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید کرد که حدود ۱۸ درصد از کل زباله تولیدی این استان مستقیماً ناشی از حضور مسافران و گردشگران است. فشاری مضاعف بر

بار مالی سنگین بر دوش بیماران

بر اساس آمارهای اعلام شده در آن مقطع، هزینه درمانی یک بیمار مبتلا به ام‌اس پیشرفته بدون در نظر گرفتن هزینه‌های جانبی به بیش از ۳۰ تا ۵۰ میلیون تومان در ماه می‌رسید. اگرچه صندوق بیماری‌های خاص ۵۶ بسته خدمتی تعریف کرده بود اما وعده «فرانشیز صفر درصد» هرگز محقق نشد و هزینه‌های سرسام‌آور توان‌بخشی و مکمل‌ها عملاً بدون پوشش بیمه‌ای باقی ماند.

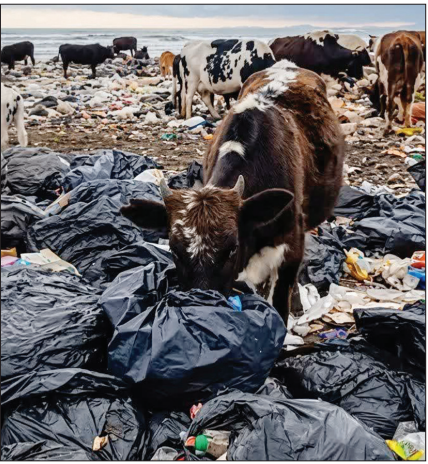
در همین دوره، کمبودهای دارویی و ناامیدی بیماران از چرخه رسمی درمان، راه را برای سودجویی‌ها باز کرد. دکتر مژگان قهاری، متخصص مغز و اعصاب، همان زمان هشدار داد که نبود دارو باعث روی آوردن بیماران به روش‌های غیرعلمی و طب مکمل پرهزینه شده که تنها نتیجه آن، تأخیر در روند درمان و بروز معلولیت‌های جبران‌ناپذیر است.

به فاصله چند ماه در ۳۰ بهمن‌ماه سال گذشته، نخستین جرقه تجمع بزرگ بیماران خودایمنی زده شد. گروهی از بیماران نیازمند به داروی حیاتی «اینفلیکسی‌مب» (که با نام تجاری ریمیکید شناخته می‌شود) در برابر ساختمان سازمان غذا و دارو تجمع کردند. پاسخ محمد هاشمی، سخنگوی سازمان غذا و دارو در آن زمان، وعده‌ای بود که امروز فرجام آن روشن شده است؛ او با کم‌تعداد خواندن معترضان (حدود ۱۷ نفر) مدعی شد که فرآیند توزیع شفاف است و دارو به زودی در داروخانه‌های منتخب توزیع خواهد شد. وعده‌ای که بیماران آن را «امروز و فردا کردن‌های همیشگی» توصیف کردند؛ چراکه قطع و وصل شدن این دارو، بدن را به تولید آنتی‌بادی تشویق کرده و اثر درمانی دارو را برای همیشه از بین می‌برد.

خرداد و تیر ۱۴۰۵: کالا برگشت‌خورده در مرزها و پدیده

«سیدفروشی»

با ورود به سال ۱۴۰۵ ابعاد بحران از کمبود داروهای خاص فراتر رفت و به داروهای عمومی نظیر متفورمین (دیابت) و نوار



و سوزن انسولین کشیده شد. گزارش‌های میدانی از پایتخت در خرداد ماه امسال، تصویری واضح از سقوط کیفیت زندگی بیماران ارائه داد.

روایت بیماران از گرانی

یک بیمار مبتلا به دیابت در گفت‌وگو با رسانه‌ها اعلام کرده که قیمت یک جعبه قرص متفورمین از ۲۲۰ هزار تومان به ۶۰۰ هزار تومان رسیده است. شهروند دیگری از عفونت دست مادرش به دلیل استفاده چندباره از سوزن‌های کمیاب انسولین خبر داد. بازنشسته‌ای که عمل قلب باز انجام داده بود اعلام کرد به دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه قرص پلاویکس ماه‌هاست مصرف آن را قطع کرده است.

مهدی پیرصالحی، رئیس سازمان غذا و دارو، ماه گذشته اعتراف کرد که حدود ۱۰۰ تن ماده اولیه دارویی از زمان جنگ [تتها به‌عنوان یک کد زمانی در متن اصلی] در منطقه جبل‌علی امارات و بخشی دیگر در بندر کراچی پاکستان متوقف مانده و به کشور نرسیده است. بخش عمده‌ای از این گرانی به جهش نرخ ارز غیرترجیحی بازمی‌گشت که از حدود ۷۰ هزار تومان در دی‌ماه به حدود ۱۵۰ هزار تومان در بهار ۱۴۰۵ رسید. به گفته کارشناسان، ارز ترجیحی تنها ۳۰ درصد فرآیند تولید (ماده اولیه) را پوشش می‌دهد و ۷۰ درصد باقی‌مانده شامل بسته‌بندی و هزینه‌های جانبی، تابع ارز آزاد است.

در تیرماه امسال، فساد ساختاری در شبکه توزیع رسمی کشور نیز علنی شد. هادی اخوت‌پور، رئیس شورای عالی داروخانه‌های ایران، شانزدهم تیرماه گفت که شرکت‌های پخش دارو به «سیاست سیدفروشی» روی آورده‌اند. به این معنا که سهمیه داروهای کمیاب و حیاتی را مشروط به خرید مکمل‌ها و داروهای غیراورژانسی دیگر می‌کنند. اقدامی که باعث شد، داروخانه‌های با نقدینگی کمتر عملاً از دریافت

اوج فاجعه

توالی بحران در اواسط تیرماه به اوج خود رسید. در ۱۳ تیرماه رسانه‌های داخلی ویدئوی چراگاه دام‌ها در دیوی زباله تالش را منتشر کردند. تالش، منطقه‌ای که به دلیل جغرافیای خاص خود و فاصله اندک میان کوه، جنگل، سکونت‌گاه و دریا به‌شدت آسیب‌پذیر است، ناگهان خود را در مواجهه با یک بمب ساعتی بیولوژیک دید. مدیریت ناکارآمد پسماندهای بیمارستانی که براساس ضوابط بین‌المللی باید ابتدا بی‌خطرسازی، خرد سپس به‌صورت کاملاً مجزا دفن شسوند، در تالش عملاً در فضای باز و در دسترس حیوانات رها شده بود. پسماندی که می‌تواند حامل عوامل عفونی و اشیای برنده باشند به منبع تغذیه دامی تبدیل شدند که شیر و گوشت آن به سرعت وارد چرخه مصرف شهروندان می‌شود. واکنش‌های دولتی به این فضاختر رسانه‌ای طبق الگوهای همیشگی، فوری و در سطح صدور دستورات اداری بود. در ۱۹ تیرماه هادی حق‌شناس، استاندار گیلان، در تماس‌های تلفنی اضطراری با رئیس دانشگاه علوم پزشکی، مدیر سازمان پسماند استان و فرماندار و شهردار تالش، خواستار «بررسی فوری» و «محصورسازی چهار ضلع محل دفن زباله» شد. استاندار با اعلام اینکه سلامت مردم «خط قرمز» اوست، دستور تفکیک زباله‌های بیمارستانی از عادی و ارائه گزارش جامع از سراسر استان را صادر کرد.

دفن شده زیر کوهی از زباله

اگرچه مسئولان استانی تلاش می‌کنند، مقصر اصلی را رشد مهاجرت و هجوم گردشگران معرفی کنند اما واقعیت مکوم، نبود اراده و زیرساخت‌های مدرن دولتی برای بازیافت و تصفیه شیرابه‌ها در طول دهه‌های گذشته است. زباله در گیلان دیگر یک موضوع خدماتی ساده نیست؛ نفوذ شیرابه‌ها به سفره‌های زیرزمینی، فقدان تصفیه‌خانه در تمامی ۵۲ شهر استان و حالا آمیختگی دام با پسماندهای عفونی این خطه سبز را به یک تهدید بیولوژیک جدی برای سلامت عمومی تبدیل کرده است. دستورات اضطراری برای دیوارکشی دیوی تالش، مسکنی موقت بر پیکر استانی است که به گفته مدیرانش در حال دفن شدن زیر کوهی از زباله است.



داروهای خاص محروم شوند و بیماران دربه‌در یافتن یک قلم دارو، خیابان‌های تهران را زیر پا بگذارند.

تجمع دیروز؛ بستن درهای وزارتخانه

تداوم این شرایط در نهایت بیماران خودایمنی که ماه‌ها وعده ثبات بازار را شنیده بودند به پشت درهای وزارت بهداشت کشاند و این بار در اقدامی نمادین و اعتراضی در ورودی وزارتخانه را مسدود کردند. موضوع اصلی اعتراض دیروز علاوه بر قیمت نجومی ۳۲ میلیون تومانی داروی ریمیکید در بازار آزاد، فشار مسئولان برای جایگزینی آن با نمونه تولید داخل است. بیماران معترض می‌گویند، نمونه‌های داخلی هنوز مطالعات علمی کاملی را پشت سر نگذاشته‌اند و عوارض متعددی برای مصرف‌کنندگان ایجاد کرده‌اند. در مقابل، سازمان غذا و دارو مجدداً با صدور بیانیه‌ای مدعی شد که داروی تولید داخل کیفیتی هم‌سطح با پروتکل‌های جهانی دارد و ۹۰ درصد هزینه آن را بیمه پوشش می‌دهد و محموله‌های وارداتی نیز تا هفته آینده از گمرک ترخیص می‌شوند؛ وعده‌ای تکراری که دیگر از سوی بیماران جدی گرفته نمی‌شود. به گزارش سازندگی؛ بحران کنونی دارو در ایران صرفاً یک مشکل لجستیکی یا کمبود موضعی نیست. این وضعیت، خروجی مستقیم ناترازی شدید منابع سازمان‌های بیمه‌گر، تورم ساختاری اقتصاد ایران و چالش‌های نقل و انتقال مالی ناشی از تحریم‌هاست. وقتی دولت توان تأخیر در پرداخت مطالبات داروخانه‌ها را ندارد و از سوی دیگر نرخ ارز در چند ماه دو برابر می‌شود، صنعت دارو ترجیح می‌دهد، مواد اولیه را پشت مرزها نگه دارد یا به احتکار و سیدفروشی روی بیاورد. در این میان زنجیره نهایی این فشار اقتصادی و مدیریتی، بیمارانی هستند که گزینه‌هایشان روز به روز محدودتر می‌شود؛ یا پرداخت هزینه‌هایی معادل چند برابر حقوق ماهیانه، یا مواجهه با خطر مرگ و از کار افتادگی.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۰۳۰۹۰۳۰۰۰۴۹۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرستان البرز قزوین تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی نسبت به ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۶۰/۲۸ متر مربع مفروز و مجزا شده از ۱۳ اصلی بخش ۵ البرز قزوین خریداری مع الوسطه از آقایان ذبیح اله و حسن محمدخانی به استناد گزارش وارده به شماره ۶۱۰/۱۴۰۵/۱۲۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۱ کارشناسان هیات و گواهی عدم دسترسی به سایر مالکین مشاعی در اجرای بند الف ماده یک قانون تعیین تکلیف تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده و بررسی های محلی کارشناس که حکایت از عدم تعارض و بلا منازع بودن تصرفات متقاضی دارد لذا مالکیت آقای سلیمان خانی به شناسنامه شماره ۱۵۱ کد ملی ۱۶۰۲۳۳۹۵۶۲ صادره هشتروند فرزند عیسی در ششدانگ یک باب خانه مسکونی به مساحت ۱۶۰/۲۸ متر مربع مفروز و مجزا شده از پلاک شماره ۱۳ اصلی واقع در قزوین بخش ۵ حوزه ثبت ملک شهرستان البرز قزوین محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ آگهی می شود در صورتی که اشخاص حقیقی و حقوقی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی : ۲۲۱۸۷۷۵

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۴/۲۱

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۰۵

سیروس محمد بیگی
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان البرز

